



میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران

پنل شانزدهم

# آینده دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی در جهان رقابتی با تأکید بر ساز و کارهای رتبه‌بندی

پنل شانزدهم

۱۳۹۶

وزارت علم، تحقیقات و فناوری



مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

**میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران**

**پنل شانزدهم**

**آینده دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی در جهان رقابتی با  
تاکید بر ساز و کارهای رتبه‌بندی**

اردیبهشت ۱۳۹۶

شماره گزارش: پنل ۱۶، اردیبهشت ۹۶

**اعضای پنل:**

دکتر نسرین نورشاهی (ریاست موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، دکتر رضا منیعی (معاون پژوهشی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، دکتر محمد جواد دهقانی (رئیس مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری) ، دکتر عباس بازرگان (عضو هیات علمی دانشگاه تهران)، دکتر حمید جاودانی (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، دکتر سید هادی مرجائی (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، دکتر غلامرضا ذاکر صالحی (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، دکتر یزدان ابراهیمی (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، دکتر مهرانوش بازارگادی (عضو هیات علمی)

تحریر مباحثات: مرضیه کلیایی

**عنوان:**

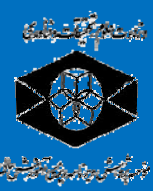
آینده دانشگاه ها و مؤسسات پژوهشی در جهان  
رقابتی با تاکید بر ساز و کارهای رتبه بندی

دبیر میز آینده پژوهی : مقصود فراستخواه

تدوین: حسین سمیعی

## فهرست

صفحه	عنوان
۲	مقدمه: درباره پنل و روش کار
۲	مباحث پنل
۲-۹-۱۲-۱۵-۲۴-۲۶	دکتر نسرین نورشاهی: رئیس موسسه
۳	دکتر رضا منیعی: معاون پژوهشی موسسه
۵-۲۱-۲۲-۲۴-۲۵-۲۶	دکتر مقصود فراستخواه، عضو هیأت علمی موسسه و دبیر میز آینده پژوهی
۹-۲۳-۲۵	دکتر محمد جواد دهقانی: رئیس مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری
۱۳-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶	دکتر عباس بازرگان: استاد دانشگاه تهران
۱۶	دکتر سید هادی مرجائی: عضو هیات علمی موسسه
۱۷	دکتر حمید جاودانی: عضو هیات علمی موسسه
۲۰	دکتر مهرنوش بازارگادی: عضو هیات علمی
۲۳-۲۴-۲۵	دکتر غلامرضا ذاکر صالحی: عضو هیات علمی موسسه
۲۶	دکتر یزدان ابراهیمی: عضو هیات علمی موسسه
۲۷	سناریوها و نتیجه



### مقدمه: درباره پنل و روش کار

پنل بررسی با حضور خبره ها و متخصصان موضوع با عنوان « آینده دانشگاه ها و مؤسسات پژوهشی در جهان رقابتی با تاکید بر ساز و کارهای رتبه بندی » ساعت ۱۰ الی ۱۲ روز شنبه ۱۶ اردیبهشت در محل موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی برگزار شد. در این پنل هر یک از اعضای پنل دیدگاه های خود را درباره موضوع فوق بیان کردند.



در ادامه، خلاصه ای از دیدگاه های هر یک از اعضا ارائه می شود:

### مباحث پنل

#### دکتر نسرين نورشاهی، رئیس موسسه

به نام خدا. عرض سلام و ادب و احترام خدمت اساتید ارجمند و ممنون از اینکه دعوت ما را پذیرفتید و تشریف آوردید و البته همکارانی که از مؤسسه تشریف آوردند و آقای دکتر دهقانی که قبول زحمت کردند موضوع امروز ما "آینده دانشگاه ها و مؤسسات پژوهشی در جهان رقابتی" است که از شما عزیزان بابت حضورتان تشکر می کنم.



همچنان که مطلع هستید در موقعیت کنونی بازار رقابت در آموزش عالی بسیار پر رونق است و ابزار یا تکنیک رتبه بندی یکی از ابزارهایی است که دانشگاهها و در مجموع نظام آموزش عالی کشورها به آن تمسک می جویند و بنا دارند با استفاده از این ابزار در بازار رقابت آموزش عالی به تعیین و تثبیت نقش و جایگاه خود بپردازند.

در آموزش عالی ایران نیز طی سالهای اخیر سیاست گذاران و برنامه ریزان توجه ویژه ای به این تکنیک نموده و از آن در مواردی به عنوان عملی جهت ارتقاء کیفیت دانشگاهها بهره می برند. در هر حال مؤسسه پژوهش با توجه به ماهیت ذاتی و پژوهشی خود بر آن است که موضوعات روز آموزش عالی را به بحث و گفتگو گذاشته و در بستر گفتگوی میز آینده پژوهی آینده موضوعات و پدیده ها را از منظر و ابعاد مختلف و با شرکت تمامی ذی نفعان مورد بحث و بررسی قرار دهد. در این جلسه با دعوت از متخصصان، مدیران و دست اندرکاران آینده مؤسسات آموزش عالی و رقابت بین آنها و کاربرد تکنیک و رتبه بندی از منظرها و ابعاد مختلف به بحث گذاشته خواهد شد. با تشکر از حضور مؤثر همه عزیزان در جلسه.

### دکتر رضا منیعی: معاون پژوهشی موسسه

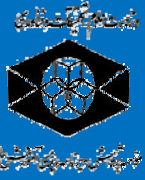
به نام خدا، سلام عرض می‌کنم خدمت دوستان و همکاران عزیز. از اینکه فرصت صحبت به دوستان دیگر نیز برسد خیلی خلاصه عرض می‌کنم که تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی در طول ده سال گذشته یعنی از سال ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۵ به شرح جدول زیر افزایش یافته است.



سال تحصیلی	کارشناسی ارشد	دکتری تخصصی	جمع
۱۳۸۵-۸۶	۱۱۷۸۷۶	۲۲۰۱۶	۱۳۹۸۹۲
۱۳۸۶-۸۷	۱۴۶۶۰۵	۲۷۱۹۰	۱۷۳۷۹۵
۱۳۸۷-۸۸	۱۸۳۴۲۶	۳۱۴۵۶	۲۱۴۸۸۲
۱۳۸۸-۸۹	۲۳۸۶۰۳	۳۵۱۰۶	۲۷۳۷۰۹
۱۳۸۹-۹۰	۲۹۰۶۷۹	۳۹۵۲۵	۳۳۰۲۰۴
۱۳۹۰-۹۱	۴۰۵۰۴۲	۴۷۳۱۵	۴۵۲۳۵۷
۱۳۹۱-۹۲	۴۵۴۹۷۸	۵۸۶۸۳	۵۱۳۶۶۱
۱۳۹۲-۹۳	۵۸۰۰۰۰	۷۳۴۳۷	۶۵۳۴۳۷
۱۳۹۳-۹۴	۷۲۲۲۵۲	۹۴۴۳۲	۸۱۶۶۸۴
۱۳۹۴-۹۵	۷۷۴۷۶۶	۱۱۵۲۰۱	۸۸۹۹۶۷

در واقع تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد ما در سال ۸۶-۱۳۸۵، ۱۱۷۸۷۶ نفر بوده است که این تعداد در سال ۹۶-۱۳۹۴، به ۷۷۴۷۶۶ نفر افزایش پیدا کرده است. همچنین در مقطع دکتری نیز از ۲۲۰۱۶ نفر در سال ۸۵ به ۱۱۵۲۰۱ نفر در سال ۹۵، افزایش یافته است. تعداد دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی در طول این ده سال به شرح جدول زیر می‌باشد.

سال تحصیلی	کارشناسی ارشد	دکتری تخصصی	جمع
۱۳۸۴-۸۵	۱۶۵۴۲	۲۷۱۱	۱۹۲۵۳
۱۳۸۵-۸۶	۲۱۱۳۴	۳۲۶۶	۲۴۴۰۰
۱۳۸۶-۸۷	۲۴۴۷۵	۴۴۸۲	۲۸۹۵۷
۱۳۸۷-۸۸	۲۷۴۵۳	۳۸۱۱	۳۱۲۶۴
۱۳۸۸-۸۹	۳۷۷۱۵	۴۷۸۸	۴۲۵۰۳
۱۳۸۹-۹۰	۴۶۱۵۱	۴۰۱۲	۵۰۱۶۳
۱۳۹۰-۹۱	۵۶۶۰۴	۵۱۵۹	۶۱۷۹۹
۱۳۹۱-۹۲	۷۵۵۷۷	۶۸۴۲	۸۲۴۱۹
۱۳۹۲-۹۳	۹۷۲۹۳	۷۴۰۲	۱۰۴۶۹۵
۱۳۹۳-۹۴	۱۲۰۹۳۹	۷۵۳۱	۱۲۸۴۷۰

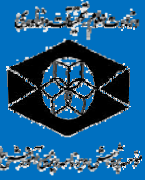


همچنین جدول زیر تعداد اعضای هیات علمی تمام وقت را نشان می دهد

سال تحصیلی	استاد	دانشیار	استادیار	مربی	مربی آموزشیار	جمع
۱۳۸۵-۸۶	۱۸۰۳	۳۳۴۵	۱۷۷۷۸۷	۲۲۸۲۹	۷۹۹	۴۶۵۶۳
۱۳۸۶-۸۷	۲۰۳۶	۳۷۴۲	۲۰۰۴۰	۲۷۱۰۴	۷۱۳	۵۳۶۳۵
۱۳۸۷-۸۸	۱۹۲۲	۳۸۹۲	۱۹۶۴۰	۲۷۰۲۵	۹۵۸	۵۳۴۳۷
۱۳۸۸-۸۹	۲۵۴۰	۵۴۹۷	۲۳۹۷۸	۲۷۹۷۵	۱۶۹۳	۶۱۶۸۳
۱۳۸۹-۹۰	۲۷۰۸	۵۷۶۲	۲۵۱۳۷	۲۸۷۲۳	۱۴۸۸	۶۳۸۱۸
۱۳۹۰-۹۱	۲۸۴۰	۶۳۶۴	۲۶۵۹۴	۲۸۷۸۹	۲۵۱۱	۶۷۰۹۸
۱۳۹۱-۹۲	۳۰۰۷	۶۷۸۹	۲۸۳۱۹	۲۹۰۲۱	۱۴۱۶	۶۸۵۵۲
۱۳۹۲-۹۳	۳۲۸۱	۷۳۰۴	۳۰۶۷۸	۲۸۸۹۷	۶۸۰	۷۰۸۴۰
۱۳۹۳-۹۴	۴۰۱۸	۸۹۴۹	۳۴۲۹۳	۲۸۳۴۴	۵۲۵	۷۶۱۲۹
۱۳۹۴-۹۵	۴۶۰۹	۹۷۹۸	۳۷۴۸۴	۲۷۹۶۵	۲۲۴	۸۰۰۸۰

و در پایان می توان گفت ظرفیت تولید مقاله در ایران تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر پیش بینی شده است

سال تحصیلی	کارشناسی ارشد	دکتری تخصصی	هیات علمی تمام وقت	جمع	مقالات آی اس آی	نسبت ۱	مقالات اسکوپوس	نسبت ۲
۱۳۸۵-۸۶	۲۱۱۳۴	۳۲۶۶	۵۳۶۳۵	۷۸۰۳۵	۷۳۷۵	۰/۰۹	۱۱۳۷۸	۰/۱۵
۱۳۹۰-۹۱	۵۶۶۰۴	۵۱۹۵	۶۷۰۹۸	۱۲۸۸۹۷	۲۵۳۳۷	۰/۲۰	۳۹۲۰۹	۰/۳۰
۱۳۹۳-۹۴	۱۲۰۳۹۳	۷۵۳۱	۷۶۱۲۹	۲۰۴۵۹۹	۲۹۹۹۷	۰/۱۵	۴۲۹۹۱	۰/۲۱
۱۳۹۹-۰۰	۲۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۹۵۰۰۰	۳۱۵۰۰۰	۴۷۲۵۰	۰/۱۵	۶۳۰۰۰	۰/۲۰



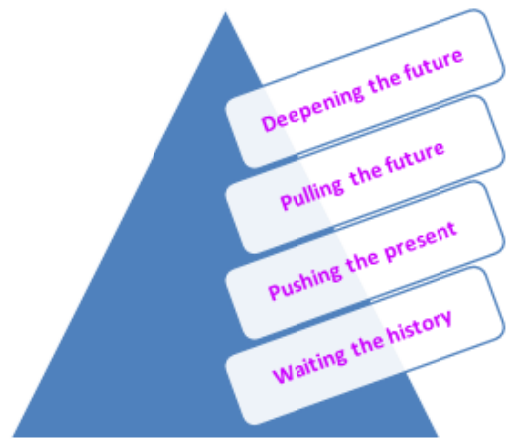
دکتر مقصود فراستخواه، عضو هیأت علمی موسسه و دبیر میز آینده پژوهی



سلام و ممنون از حضور اعضا در این پنل شانزدهم میز. من مقدمه مختصری خواهم داشت. ما در میانهٔ حال و آینده، ممکن است چهار «روی آورد» داشته باشیم:

۱. منتظر قطار تاریخ بشویم که ما را با خود بببرد. در این صورت ممکن است به دره ها نیز پرتاب شویم.
۲. حال را با برنامه های سنتی خود جلو ببریم. این هم نگاه منسوخ به برنامه ریزی است
۳. کمند بر آینده مطلوب خود بیندازیم و به سمت خود بکشیم. این همان خلق آینده است و خوب است اما بهترین نیست
۴. درک خود را نسبت به آینده مطلوب خود عمق ببخشیم.

## چهار رویکرد

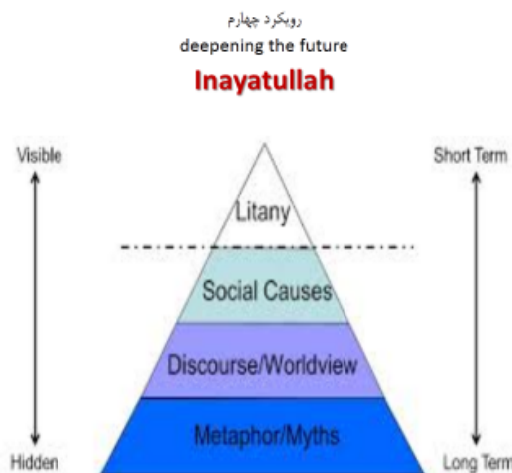


فراستخواه، ۱۳۹۶: پنل شانزدهم



در میز آینده پژوهی، ما با رویکرد چهارم کار می کنیم یعنی قصد داریم فهم مشترک خود را از آموزش عالی در جهان رقابتی پیش رو عمق ببخشیم. از سوی دیگر طبق مدل عنایت .. کار می کنیم . او ۴ سطح را پیشنهاد کرده است که هرچه به لایه های زیرین می رویم نهفته تر و دراز مدت ترند:

۱. سطح اول سیاهه (موضوعات و مسائل)
۲. سطح دوم سیستمی (نظام های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ...)
۳. سطح سوم جهان بینی و فرهنگ و پارادیم ها
۴. اسطوره ها و استعاره ها در لایه های زیرین ناخودآگاه اجتماعی



ترانسپاراد . پلن شانزدهم

9

### سطح نخست (Litany)

سطح مسئله ها که در یک زمان کوتاه مدت ، روی دست ما هستند ، حسب موضوع خاص این پلن عبارت است از مقاله گرایی فرمالیستی غالب بر دانشگاه های ما ، ISI گرایی صوری و بعضا مقاله سازی است. ناکارآمدی بسیاری از شرکت های دانش بنیان، سفرهای مطالعاتی ناکارآمد و همایش های صوری بین المللی که تعداد زیادی مقاله از آن بیرون می آید و یک بازار مکاره بر سر شاخص هایی مثل ضریب تأثیر را بوجود آوردند. خود من شاهد بودم که گردانندگان مجلات در پژوهشکده ای دولتی در یک زمان کوتاه ضریب تأثیر (IF) نشریه شان را با شگردهایی بالا بردند و چراغ خود را در وزارتخانه ها مثلا از زرد به سبز تبدیل کردند. دانشگاهها با رنگینک بازی می کنند و تمام هم و غم آنها این شده که از رتبه چند به چند آمده اند و این خیلی صوری شده است. رتبه بندی رسانه ای است که تنها بخش کوچکی از رقابت بر سر کیفیت را می تواند برگزار بکند ولی ما از همه چیز دیگر غافل هستیم و فقط به شکل فرمال به رنگینک ها توجه مفرط نشان می دهیم.

### سطح دوم

اکنون پرسش در مدل تحلیل علی لایه به لایه (مدل آینده پژوهی عنایت الله) آن است که این صورت مسئله ها از کجا ناشی شده اند. در لایه دوم این موضوع را تحلیل می کنیم. این مسأله ها از سیستم هایی نشأت گرفته اند که ما داریم مثلاً آیین نامه ارتقا در ایران مشکلاتی دارد و در واقع یک بازی رزومه سازی را راه اندازی کرده است که بسیار سطحی و اکارآمد است، مورد دیگر بوروکراتیزاسیون علم است . در کشور ما علم گرفتار دیوان سالاری شده است و از درون سیستم بوروکراتیزاسیون علم به شکل دولتی است که این حالت رقابت گرایی ظاهری و صوری بوجود آمده است.

### سطح سوم

در سطح سوم از تحلیل خود متوجه می شویم که سیستم و ساختارهای ما از گفتمان ها برمی آیند. مثلا گفتمان دولتی که بر علم سایه انداخته است، در نتیجه حیات علمی دانشگاه ها چالاکتی و پویایی و زندگی آزاد و خلاق خود را از دست داده است. زندگی علمی در متن اعضای هیئت علمی، دانشجو، دانش آموخته، دانشگاه ها انجمن های علمی، تخصصی، حرفه ای ضعیف شده است

### سطح چهارم

وقتی عمیق تر تحلیل می کنیم متوجه می شویم خود گفتمان دولتی هم از استعاره غالب مهندسی برآمده است. همه اش می خواهیم مهندسی اجتماعی و مهندسی فرهنگی و مهندسی نظام علمی بکنیم. یعنی استعاره غالب ما مهندسی علم بوده است. کیفیت دانشگاه ها را هم می خواهیم مهندسی کنیم. این از عجایب است. علم و اکتشاف مدیریت ناپذیر است ما تازه مهندسی هم می خواهیم بکنیم. کیفیت دانشگاه ها، گروه های دانشگاهی، کیفیت اعضای هیئت علمی و کیفیت علم را اصرار داریم مهندسی کنیم. این مهندسی علم با گفتمان دولتی و با ابزار آیین نامه ارتقاء در یک چارچوب بوروکراتیزاسیون دولتی و دیوان سالاری دانشگاهی وزارتی صورت می گیرد و همین است که بازار مکاره ای از رقابت گرایی صوری و ناکارآمد به راه می اندازد که به گمان من ما را به سوی آینده وهمناکی پرتاب می کند که غیر از جهان واقعی رقابتی آینده در دنیا است.

### تحلیل علی لایه به لایه

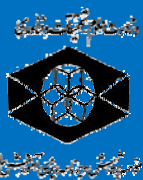
causal layered analysis (Inayatullah, 2004)

مثال	لایه ها	
<ul style="list-style-type: none"> <li>ای اس ای گرایس وای اس سی گرایس صوری که بعضا تا حد مقاله سازی رسیده</li> <li>ناکارآمدی بخشی از شرکت های دانش بنیان</li> <li>سفر های صوری مطالعاتی و همایش های صوری بین المللی</li> <li>بازار مکاره در نشریات علمی پژوهشی بر سر شاخص هایی مثل ضریب تاثیر و....</li> </ul>	صورت مسأله های امروزی	
<ul style="list-style-type: none"> <li>آیین نامه ارتقا</li> <li>بورکراتیزاسیون علم</li> </ul>	سیستم ها ساختارها	
<ul style="list-style-type: none"> <li>گفتمان دولتی</li> </ul>	گفتمانها	
فرستخواه: ۱۳۹۶: پنل شانزدهم	<ul style="list-style-type: none"> <li>مهندسی علم به جای معماری و بناغیانی علم</li> </ul>	استعاره ها

13

نتیجه این وضع آن شده است که مدل اندازه گیری را جایگزین مدل ارزشیابی و ممیزی اجتماعی علم کردیم. همه اش می گوییم چند مقاله داریم و نمی گوییم جامعه علمی به عنوان قوه ممیزه اجتماعی به کدام علم ارزش قائل است؟ بخش های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و محیط زیست ما به چه علمی نیاز دارد؟ بجای آنها فقط تعداد مقالات یک دانشگاه را اندازه گیری می کنیم و فقط دنبال رتبه هستیم

من با این مقدمه کوتاه پرسش هایی را که برای بحث در این میز طرح می کنم عبارتند از: ۱. مهمترین عوامل شکل دهنده به آینده مطلوب دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی ایران در دنیای رقابتی چیست؟ آیا این رتبه بندی می تواند بازنمایی خوبی از آینده ما در یک دنیای رقابتی به دست بدهد؟



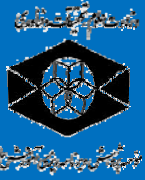


۲. مهمترین عوامل پیشران و بازدارنده برای رسیدن به وضع مطلوب دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی ایران در دنیای رقابتی آتی کداماند؟

مؤلفه‌هایی نیز برای مثال در کاربرد ها درج کرده ایم که در اختیار اعضای محترم گذاشته می شود . حال بحث کنید که چه عواملی آینده مطلوب دانشگاهها و کیفیت دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی در دنیای رقابتی شکل می دهد و اعضای محترم چه پیشنهادی برای آینده مطلوب دارند و بیان کنند که چگونه می توان درک عمیق تر از آینده کیفی دانشگاه در دنیای رقابتی به دست آورد و بر اساس آن سیاست گذاری برای آینده کرد.

<p>موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی پانل شانزدهم میز آینده پژوهی ۱۶ اردیبهشت ۹۶</p> <p>نام عضو محترم پنل:.....</p> <p>نشانی برای ارسال نتایج پنل:.....</p>	<p>۱.مهم ترین عوامل شکل دهنده به آینده مطلوب دانشگاه ها و مؤسسات پژوهشی ایران در دنیای رقابتی چیست؟</p> <p>۲. مهم ترین عوامل پیشران و بازدارنده برای رسیدن به وضع مطلوب دانشگاه ها و مؤسسات پژوهشی ایران در دنیای رقابتی آتی کدام اند؟</p>
	<p>۱ شایسته گرایی و سبک های رهبری</p>
	<p>۲ ساختارهای اختیارات و مشارکت و فضاهای اجتماعی</p>
	<p>۳ تعاملات اجتماعی علم</p>
	<p>۴ توسعه حرفه گرایی مستقل علمی و آزادی آکادمیک</p>
	<p>۵ تعامل با اجتماع محلی ، مأموریت گرایی، تمرکز به اهداف اولویت دار و متمایز</p>
	<p>۶ خلاقیت ها و ابتکارات</p>
	<p>۷ پاسخگویی مؤثر به مسؤولیت های اجتماعی علم واستقرار شاخص های پایداری</p>
	<p>۸ (سایر.....)</p>
	<p>۹</p>

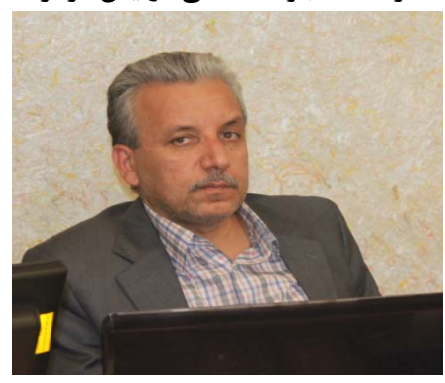
توضیحات و ملاحظات عضو پنل: .....



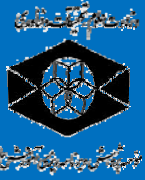
### دکتر نسرين نورشاهی:

قبل از اینکه آقای دکتر دهقانی بحث را شروع کنند یک حیطه‌ای را اضافه می‌کنم طبق صحبت هایی که داشتند. به نظر بنده رتبه‌بندی با همه فراز و فرودها و همه نکاتی که در موردش چه به لحاظ مثبت و چه به لحاظ منفی مطرح است، باورم براین است که یک موجی را ایجاد کرده و دانشگاهها در ۳ یا ۴ سال اخیر بیشتر به رتبه‌بندی هم در اسناد، جلسات، سمینارها و اکثر مجامع و ساختارهای مختلف بها داده‌اند ابعاد مثبت آن، ایده بازکردن درهای دانشگاهها و ایده ارتباط با خارج از مرزها را با این تکنیک و با این ساز و کار بیشتر به آن پرداختیم؛ یعنی در سند گفتمان توسعه یکی از مهمترین چالش‌هایی که آموزش عالی ما با آن روبرو شده بحث بسته بودن آموزش عالی است. در واقع یکی از ایراداتی که گرفته شده بود این بود آموزش عالی ما خیلی بسته عمل می‌کند و البته این موضوع به یک بحث عمیق نیاز دارد و تمامی دلایل، شواهد، مبانی نظری و همه این موضوعات را مطرح کرد و در کنار این موارد به تحلیل پیردازیم و نتیجه‌گیری صورت گیرد. بنده با توجه به اینکه کم و بیش در جلسات عرصه‌های مختلف، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی کشور حضور داشته و این را بیان می‌کنم که بحث رتبه بندی اثرات مثبت و منفی در نظام آموزش عالی کشور داشته نباید در بررسی به آن کوتاهی شود. دانشگاهها خیلی حساس شده و می‌خواهند با دانشگاههای بین‌المللی ارتباط برقرار کنند و همینطور دانشگاههای دیگر در سطح جهان چگونه عمل می‌کنند و نسبت به وضعیت موجود حساس شده. هرچند که شاخص‌هایی وجود دارد و دانشگاهها براساس شاخص‌هایی مورد نظر ارزیابی می‌شوند و همین یعنی از سکون و بی تفاوتی دانشگاهها خارج شده است که به نظر بنده یک علامت سیگنال خوبی می‌باشد، اما باید هدایت شود. همانطور که آقای دکتر فراستخواه اشاره کردند بحث و هدف ما در میز آینده پژوهی این است که ما آینده بهتری را در نظر بگیریم و روندها، جریان‌ها یا موج‌هایی را که ایجاد می‌شود با گفتگوهایی که ما امروز انجام می‌دهیم تلاش شود که در مسیر درست هدایت شود در این مسیر ذینفعان، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران هم متنفع شوند.

### دکتر محمد جواد دهقانی : رئیس مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری



از اینکه این فرصت را در اختیار بنده قرار داده‌اید تشکر می‌کنم. بنده از سال ۹۳ مسئولیت مرکز منطقه‌ای و پایگاه اطلاعاتی جهان اسلام را به عهده گرفته و در این دو سال و نیم تجربه‌های زیادی چه در حوزه موضوعی و علم سنجی و چه در خصوص جایگاه بدست آورده و چون قبلاً هم سابقه معاونت آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌ها را داشته در نتیجه تلفیق این تجربیات باعث شد که کارها به بهترین شکل انجام شود. در بحث رتبه بندی باید عرض کنم که رتبه بندی نباید به عنوان یک هدف به آن بپردازیم و یک سنجه‌ای است که می‌تواند جایگاه دانشگاه را در کشورمان در مقایسه با دیگر کشورها مشخص کرد. از نظر بنده رتبه‌بندی‌هایی که در دنیا صورت می‌گیرد همه به یک شکل بوده فقط شاخص‌ها کم و زیاد می‌شوند برخی بر آموزش برخی هم به پژوهش تأکید داشته و هر کدام شاخصهایی را مدنظر داشته. جلسه‌ای با ۸ دانشگاه برتر بین المللی و دانشگاههای سطح یک کشورمان برگزار شد و مقایسه‌ای صورت گرفت و این مطلب بازگوکننده این بود که توانایی پایگاه اطلاعاتی علوم جهان اسلام با بحث پردازش می‌باشد و باید قادر باشیم از این اطلاعات عددی که شاید



خیلی این اطلاعات معنی دار نمی‌باشد باید اطلاعات مفید را بگیریم. پردازش به این صورت بوده که آیا این میزان اعدادی که در دست داریم به تولید علم، تعداد مقالات در جهت خاصی در دانشگاه‌های مصرف دنیا حرکت می‌کنند؟ یا اینکه فقط در حال تولید بوده. با توجه به صحبت‌های آقای دکتر فراستخواه و خانم دکتر نورشاهی نیاز است که مبنایی اساسی در کار داشته باشیم و براساس مبنای مورد نظر روبه جلو حرکت کنیم. بنابراین با توجه به اطلاعاتی که ما در حال حاضر داریم نمی‌توان هیچ گونه قضایاتی داشته باشیم در کشورهای دیگر تولید علم به چه صورت می‌باشد و در دانشگاهها به چه سمت و سو حرکت می‌کنند و فقط وضعیت موجود را می‌بینیم.

خلاصه ای از سخنان جناب آقای دکتر دهقانی در اسلایدهای زیر آمده است.

**دوازده دانشگاه انتخاب شده با رزش تصادفی از بین 200 دانشگاه برتر دنیا**

		Rank in the global ranking systems				
Rank	University	Country	Shanghai	Times	QS	U.S News
1-10	Harvard University	United States	1	6	3	1
1-10	Stanford University	United States	2	3	2	3
50-100	Vanderbilt University	United States	60	87	203	63
50-100	University of Zurich	Switzerland	54	101	80	70
101-150	University of Basel	Switzerland	101-150	101	141	131
101-150	Ghent University	Belgium	62	118	131	98
151-200	Sangkyunkwan University	South Korea	151-200	153	106	234
151-200	Technical University of Denmark	Denmark	151-200	167	109	125

۱۲ دانشگاه سطح یک ایران شامل دانشگاه های صنعتی اصفهان، شریف، علم و صنعت ایران، امیرکبیر، تهران، شیراز، تبریز، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، فردوسی مشهد، اصفهان و تربیت مدرس مطابق با سطح بندی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با هشت دانشگاه برتر بین المللی در ابعاد مختلف کیفیت، کیفیت، دیپلماسی علمی و اثرگذاری اقتصادی مقایسه شدند.

هشت دانشگاه برتر دنیا متناسب با رتبه بندی های شانگهای، کیو.اس. و تایمز انتخاب شدند. دو دانشگاه از بین دانشگاه‌ها تا ۱۰، دو دانشگاه از رتبه ۵ تا ۱۰۰، دو دانشگاه از رتبه ۱۰۱ تا ۱۵۰ و دو دانشگاه از رتبه ۱۵۱ تا ۲۰۰ انتخاب شدند. انتخاب یک دانشگاه به شرطی صورت پذیرفت که حداقل در دو نظام رتبه بندی در محدوده رتبه مورد نظر قرار گرفته باشد. برای مقایسه اطلاعات از پایگاه وب آو ساینس (آی.اس.آی) در دوره زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ استخراج گردید.

**۲- کیفیت علم (استناد)**

به طور متوسط دانشگاه هایی که رتبه آنها بین ۱ تا ۱۰ قرار دارد ۴۶ برابر دانشگاه های سطح یک ایران استناد دریافت کرده اند. به همین صورت دانشگاه های ۵۱ تا ۱۰۰، ۱۰۱ تا ۱۵۰ و ۱۵۱ تا ۲۰۰ به طور متوسط ۱۳، ۸ و ۶ برابر ایران استناد دریافت کرده اند. استانداردها مهمترین شاخص مورد قبول جوامع علمی در کسب مرجعیت علمی محسوب می شوند. در این مقایسه استانداردها بر حسب رشته و سال نورمال سازی شده اند تا تفاوت زمان و رشته را کنترل و استانداردها قابل مقایسه گردند.

هشت دانشگاه برتر بین المللی از مرجعیت علمی بالاتری برخوردارند و فاصله آنها با دانشگاه های سطح یک کشور به لحاظ مرجعیت بیش از فاصله آنها از حیث کمیت تولید علم است.

**۱- کمیت علم**

به طور متوسط هشت دانشگاه برتر بین المللی ۸ برابر دانشگاه های کشور، علم تولید می کنند. دانشگاه های برتر ۱ تا ۱۰ حدود ۱۷ برابر دانشگاه های سطح یک ایران، علم تولید می کنند. به همین صورت دانشگاه های قرار گرفته در رتبه های ۵۱ تا ۱۰۰ حدود ۶ برابر دانشگاه های سطح یک ایران، تولید علم می کنند. این مقدار برای دانشگاه های با رتبه های ۱۰۱ تا ۱۵۰ حدود ۵ برابر است و برای دانشگاه هایی که رتبه آنها بین ۱۵۱ تا ۲۰۰ است این رقم حدود ۳.۵ برابر دانشگاه های سطح یک ایران است.

**از لحاظ کمیت هشت دانشگاه بین المللی، علم بیشتری نسبت به دانشگاه های سطح یک کشور تولید می کنند.**

با کیفیت ترین مقالات دنیا در دسته مقالات یک صدم درصد برتر قرار می گیرند. براساس این شاخص دانشگاه های ۱ تا ۱۰، ۵۱ تا ۱۰۰، ۱۰۱ تا ۱۵۰ و ۱۵۱ تا ۲۰۰ به ترتیب ۷.۵، ۱۹، ۱۲ و ۱۲ برابر دانشگاه های سطح یک ایران مقاله با کیفیت تولید می کنند.

دسته بندی بعدی مقالات یک دهم درصد برتر است. بررسی این شاخص نشان می دهد که دانشگاه های مورد بررسی بر اساس رتبه به ترتیب ۱۰۶، ۲۵، ۱۶ و ۱۰ برابر دانشگاه های سطح یک کشور مقاله یک دهم درصد برتر تولید می کنند. دانشگاه های برتر مورد مطالعه بر اساس رتبه به ترتیب ۹۱، ۲۲، ۱۵ و ۱۰ برابر دانشگاه های سطح یک کشور مقاله یک درصد برتر تولید می کنند.

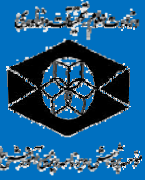
در دسته مقالات ده درصد برتر به ترتیب، این دانشگاه ها ۳.۵، ۱۰، ۸ و ۵ برابر دانشگاه های سطح یک کشور مقاله تولید می کنند. لازم به ذکر است که ده درصد از مقالات برتر دنیا ۵۶٪ از استادهای دنیا را دریافت می کنند. در دسته مقالات بیست درصد برتر، دانشگاه های برتر دنیا به ترتیب ۲۴، ۸، ۷ و ۴ برابر دانشگاه های سطح یک کشور تولید علم دارند. لازم به ذکر است که بیست درصد از مقالات برتر دنیا ۷۳٪ از استادهای دنیا را دریافت می کنند.

شاخص متوسط تعداد استناد نورمال شده به ازای مقالات نشان می دهد که دانشگاه هایی که در رتبه های ۱ تا ۱۰ قرار گرفته اند علمی را تولید می کنند که اثرگذاری آن حدود ۳ برابر علمی است که در دانشگاه های سطح یک کشور تولید می شود. به همین صورت دانشگاه هایی که در رتبه های ۵۰ تا ۱۰۰، ۱۰۱ تا ۱۵۰ و ۱۵۱ تا ۲۰۰ به طور متوسط علمی را تولید می کنند که اثرگذاری آن حدود ۲ برابر تولید علم دانشگاه های سطح یک کشور است.

در بین دانشگاه های سطح یک کشور دانشگاههایی را داریم که ۱۰٪ بهتر از متوسط بین المللی عمل کرده اند و همچنین دانشگاه هایی را داریم که ۳۰٪ کمتر از متوسط بین المللی عمل کرده اند. دانشگاه های ۱ تا ۱۰ برتر حدود ۱۲۰٪ بهتر از متوسط بین المللی عمل کرده اند.

**اثرگذاری علم تولید شده در هشت دانشگاه برتر بالاتر از دانشگاه های سطح یک کشور است.**





### ۳- اعتبار

برای محاسبه اعتبار یک دانشگاه، در ابتدا دانشگاه های دنیا به سه دسته با اثرگذاری بالا، متوسط و پایین تر تقسیم شد. ۵۴٪ استانداردهای دنیا توسط دانشگاه های با اثرگذاری بالا تولید می شود. همین رقم برای دانشگاه های با اثرگذاری متوسط و پایین تر به ترتیب ۲۹ و ۱۷ درصد است.

بنابر این دانشگاه های با اثرگذاری بالاتر از نقش بسیار مهمتری در اعتبار بخشی در شبکه علم بین الملل برخوردارند. دانشگاه هایی که در رتبه های ۱ تا ۱۰ قرار دارند ۶۰٪ از استادهایشان را از دانشگاههای با اثرگذاری بالا دریافت می کنند. همین رقم برای دانشگاههای قرار گرفته در رتبه های ۵۰ تا ۱۰۰، ۱۰۱ تا ۱۵۰ و ۱۵۱ تا ۲۰۰ به ترتیب ۵۹٪، ۵۶٪ و ۵۰٪ است. این رقم برای دانشگاه های سطح یک ایران ۳۳٪ است.

هشت دانشگاه برتر دنیا از اعتبار بین المللی بیشتری نسبت به دانشگاه های سطح یک ایران برخوردارند.

مجلات در نظام های استنادی از کیفیت های متفاوتی برخوردارند و بر همین اساس به مجلات Q1 تا Q4 تقسیم می شوند. مجلات Q1 کیفی ترین مجلات دنیای علم هستند و یک رابطه معنی داری بین درجه کیفی مجله و تعداد استادهای دریافتی مقالات آن مجله وجود دارد. از این رو هر قدر کیفیت مجله بالاتر باشد، به طور متوسط، مقالات آن مجله استادهای بیشتری دریافت می کنند.

۶۸٪ مقالات دانشگاه هایی که در رتبه های ۱ تا ۱۰ قرار دارند در مجلات Q1 منتشر می گردد. همین مقدار برای دانشگاه های با رتبه ۵۰ تا ۱۰۰ حدود ۶۰٪ و برای دانشگاه های با رتبه ۱۰۱ تا ۱۵۰ حدود ۵۷٪ و برای دانشگاه های ۱۵۱ تا ۲۰۰ حدود ۵۲٪ است. ۲۵٪ از انتشارات دانشگاه های سطح یک کشور در مجلات Q1 منتشر می شوند.

دانشگاه های برتر از راهبرد انتشار نتایج پژوهش مناسب تری نسبت به دانشگاه های سطح یک کشور برخوردار هستند.

به ترتیب ۶٪، ۹٪، ۹٪ و ۱۴٪ از همکاری های علمی دانشگاه های برتر با دانشگاه های با اثرگذاری پایین تر صورت گرفته است. این رقم برای دانشگاه های سطح یک کشور ۳۸٪ است. از یک منظر دیگر، دانشگاه های ۱ تا ۱۰ برتر ۷۰ برابر هشت دانشگاه سطح یک کشور با دانشگاه های با اثرگذاری بالای دنیا همکاری علمی دارند. همین رقم برای دانشگاه های ۵۱ تا ۱۰۰، ۱۰۱ تا ۱۵۰ و ۱۵۱ تا ۲۰۰ به ترتیب ۲۹، ۱۶ و ۱۰ است.

هشت دانشگاه برتر نسبت به دانشگاه سطح یک ایران شبکه علمی بهتری برای خود ایجاد کرده اند.

در مقابل دانشگاههایی که در رتبه های ۱ تا ۱۰ قرار گرفته اند ۱۴٪ از اعتبارشان را از دانشگاههایی دریافت می کنند که از لحاظ اثرگذاری در طبقه پایین تر قرار گرفته اند. همین رقم برای دانشگاه هایی که در رتبه های ۵۰ تا ۱۰۰، ۱۰۱ تا ۱۵۰ و ۱۵۱ تا ۲۰۰ قرار دارند به ترتیب ۱۴٪، ۱۵٪ و ۱۸٪ است. این رقم برای دانشگاه های سطح یک ایران ۳۱٪ می باشد.

۷۶٪ از همکاری علمی دانشگاه های ۱ تا ۱۰ دنیا با دانشگاه های با اثرگذاری بالا است. همین رقم برای دانشگاه های ۵۱ تا ۱۰۰، ۱۰۱ تا ۱۵۰ و ۱۵۱ تا ۲۰۰ به ترتیب ۷۰٪، ۶۸٪ و ۵۸٪ است. این رقم برای دانشگاه های سطح یک کشور ۲۸٪ است. در مقابل درصد اندکی از همکاری های بین موسسه ای دانشگاه های برتر با دانشگاه های با اثرگذاری پایین تر صورت می گیرد.

### ۵- اثر گذاری فناورانه

در مجموع دو دانشگاه هاروارد و استنفورد حدود ۵ برابر مجموع دانشگاه های سطح یک کشور تولید علم صنعتی داشته اند. این رقم برای سایر دانشگاه های برتر بر اساس رتبه ۱.۴ برابر، ۱.۳ برابر و ۱ برابر است.

میزان تولید علم صنعتی (فناورانه) در دانشگاه های برتر بیش از دانشگاه های سطح یک کشور است.

### ۴- مشارکت بین دانشگاهی و بین المللی

۳۷٪ از تولید علم دانشگاه های ۱۰ برتر با مشارکت حداقل ۴ دانشگاه دیگر صورت می پذیرد. این رقم برای دانشگاه های سطح یک کشور ۱۱٪ و برای سایر دانشگاه های برتر به ترتیب رتبه ۳۷٪، ۳۳٪ و ۲۵٪ است.

۳۸٪ از پژوهش های دانشگاه های ۱ تا ۱۰ برتر با مشارکت حداقل یک کشور دیگر صورت گرفته است. همین رقم برای دانشگاه های ۵۱ تا ۱۰۰، ۱۰۱ تا ۱۵۰ و ۱۵۱ تا ۲۰۰ به ترتیب ۴۲٪، ۵۸٪ و ۴۱٪ است. این رقم برای دانشگاه های سطح یک کشور حدود ۲۲٪ است.

بخش قابل ملاحظه ای از تحقیقات در دانشگاه های برتر توسط گروه های تحقیقاتی بزرگ و به صورت بین دانشگاهی انجام می شود. این مسئله برای دانشگاه های سطح یک ایران کمتر صادق است.

مشارکت بین المللی دانشگاه های برتر دنیا بیش از دانشگاه های سطح یک کشور است.



### ۶- اثر گذاری نوآورانه

در مجموع دو دانشگاه هاروارد و استنفورد حدود ۲۰ برابر مجموع دانشگاه های سطح یک کشور تولید علم نوآورانه داشته اند. این رقم برای سایر دانشگاه های برتر بر اساس رتبه ۴ برابر، ۳ برابر و ۲ برابر است.

میزان تولید علم نوآورانه در دانشگاه های برتر بیش از دانشگاه های سطح یک کشور است.

### ۷- جبهه های تحقیق (مرزهای دانش)

بین ۱ تا ۲ درصد تولید علم دانشگاه های برتر دنیا در جبهه های تحقیق قرار می گیرند. این رقم برای دانشگاه های سطح یک کشور ۰.۳٪ است. جبهه های تحقیق، مسیر بعدی علم دنیا را تعیین می کنند. در مجموع دو دانشگاه هاروارد و استنفورد حدود ۱۳ برابر مجموع دانشگاه های سطح یک کشور به رهبری علم دنیا پرداخته اند. این رقم برای سایر دانشگاه های برتر بر اساس رتبه ۳ برابر، ۲ برابر و ۲ برابر است.

نقش دانشگاه های برتر در رهبری علم دنیا بیش از دانشگاه های سطح یک کشور است.

دانشگاه های برتر نسبت به دانشگاه های سطح یک کشور حوزه های تحقیقاتی بهتری را برای انجام پژوهش انتخاب می نمایند

## نتیجه گیری و آرایه نکاتی در خصوص شاخص ها

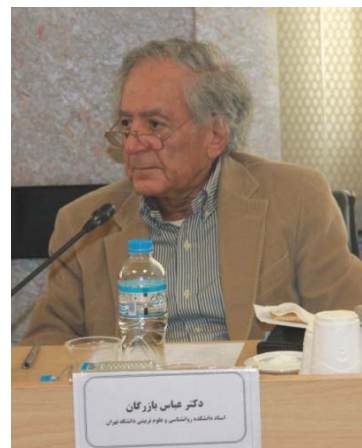
استفاده از هر یک از این شاخص ها به صورت مطلق راهبردی اشتباه است، بنابراین هر شاخص برای هدف غایی تولید علم که همان رفع نیازهای جامعه است بایستی مورد بحث قرار گیرد. هر دانشگاه ویژگی های خاص خود را دارد، بنابراین روش هایی که برای ارتقا یک دانشگاه به کار گرفته می شود را نمی توان عینا برای یک دانشگاه دیگر اجرا کرد. در این بررسی بودجه، تعداد اعضای هیات علمی و دانشجویان مورد بررسی قرار نگرفته اند.

هر چند مدیریت منابع اهمیت بسزایی در ارتقای دانشگاه دارد، اما نباید تفاوت در بودجه دانشگاه ها را نادیده گرفت. در این مطالعه کیفیت آموزش مورد مطالعه قرار نگرفته است که یکی از ارکان اصلی برای بین المللی سازی دانشگاه ها محسوب می شود. بهتر است با بهره گیری از فناوری های اطلاعاتی موجود، تولید علم در دانشگاه های کشور هدفمند، نظامند و هوشمند شود.

نظام های رتبه بندی ابزارهایی برای تعیین وضعیت موجود دانشگاه در مقایسه با سایر دانشگاه ها هستند. البته حضور در این نظام ها بر جذب دانشجویان بین المللی نیز موثر است، اما راهبرد صرف بخش عمده انرژی دانشگاه جهت ارتقای رتبه دانشگاه راهبردی اشتباه است. در مقابل بهتر است بین المللی سازی دانشگاه محوریت یابد که در این صورت دانشگاه به صورت خودکار در نظام های رتبه بندی بین المللی نیز قرار خواهد گرفت.

### دکتر نسرين نورشاهی:

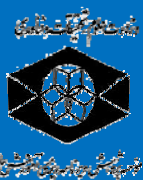
من فکر می کنم که بحث از همین جا می توان شروع کرد و دوستان هم از منظرهای مختلف همانطور که گفته شد رتبه بندی شده ها، رتبه بندی کنندگان، استفاده کنندگان از نتایج رتبه بندی و از صاحب نظرانی که نقد دارند در خدمتشان هستیم.



به نام خدا- خوشحال هستم که امروز آقای دکتر دهقانی در جلسه حضور دارند و بطور مفصل و با شواهد عددی به نکاتی مهم در باره آموزش عالی اشاره کردند. بنده با توجه به یافته های پژوهشی و نیز مطالب بیان شده توسط آقای دکتر دهقانی مطلب خود را شروع می کنم. ادعا می شود که نظام های رتبه بندی علی الاصول ابزارهایی هستند برای بازنمایی کیفیت یک دانشگاه در مقایسه با سایر دانشگاهها. اما، با توجه به ایراد هائی که بر آن وارد است، ابزار یاد شده وضعیت موجود کیفیت دانشگاه را به خوبی نشان نمی دهند. به طور کلی، هفت ایراد اساسی بر ابزار یاد شده وارد است. این ایرادها در جای دیگر (کتاب نظارت و ارزشیابی در آموزش عالی، انتشار سمت، ۱۳۹۶- فصل ۱۲ بخش ۱۲-۲ کتاب) به تفصیل بحث شده است. در اینجا نیز در ادامه بحث به اختصار به ذکر آن هائی پردازم.

به رغم ایرادهای وارده بر رویکرد رتبه بندی دانشگاهها، برای بازنمایی کیفیت دانشگاهی، اشتیاق کشورها برای رتبه بندی در حال افزایش است. پس، این سوال مطرح می شود که علت افزایش این اشتیاق چیست؟ از جمله پاسخ هائی به این سوال می توان داد این است که قرار گرفتن یک دانشگاه در ردیف بالای یک فهرست رتبه بندی، بر جذب دانشجویان، به ویژه دانشجویان بین المللی، می افزاید. برای مثال، بیان شده است که اگر یک دانشگاه برتر نظام آموزش عالی ایران در ردیف های بالای یک رتبه بندی بین المللی قرار گیرد، احتمال افزایش دانشجویان خارجی آن دانشگاه بیشتر می شود. براین اساس، می توان گفت که برای جذب دانشجویان خارجی بیشتر در دانشگاههای برتر کشور، این دانشگاهها باید حرکت به سوی قرار گرفتن در ردیف های بالاتر را در رتبه بندی های جهانی نصب العین خود قرار دهند. یعنی هدف اصلی دانشگاههای برتر کشور باید آن باشد که بخواهند در رتبه بندی های جهانی با برنامه ریزی به ردیف های بالاتر صعود نمایند، تا جذب دانشجویانی که حداقل در همسایگی ما هستند امکان پذیر باشد. به عبارت دیگر، توجه دانشگاههای برتر ایران به رتبه بندی های بین المللی باعث می شود که حداقل، کشورهای همسایه به اعزام دانشجویان به آموزش عالی ایران امکان پذیر شود. در این باره یکی از مسئولان آموزش عالی یکی از کشورهای همسایه ایران درباره روابط دانشگاهی اشاره کرده است که برای اعزام دانشجو به دانشگاههای ایران لازم است دانشجویان را به دانشگاههایی اعزام داشت که در رتبه بندی های بین المللی در فهرست دانشگاههای تراز بالای جهان قرار داشته باشند (برای اطلاع بیشتر در این باره می توان به صفحه ۳۵۰ کتاب یاد شده رجوع کرد).

اما، برنامه ریزی برای حرکت به سوی قرار گرفتن در ردیف بالای رتبه بندی دانشگاههای منطقه ای (آسیا و اقیانوسیه) و یا رتبه بندی های جهانی مستلزم سرمایه گذاری قابل توجه در دانشگاههای مورد نظر و قرار دادن این دانشگاهها در مسیری غیر از توجه مستقیم به مسایل توسعه ملی است. در این صورت، لازم است به طور دقیق تر رسالت و هدفهای دانشگاههای هر سح مشخص شود. به عبارت دیگر، در واقع ما باید خودمان آینده آموزش عالی را از نظر سطح بندی و وظایف دانشگاههای هر سطح معین نمائیم. علاوه بر این، باید روشن شود که چگونه می توانیم به آینده مورد نظر در هر سطح دانشگاهی برسیم. البته، اگر توجه کنیم که گذشته و حال آموزش عالی کشورهای موفق در جهان به کدام سمت در





حرکت بوده است و برای آینده چگونه نقش راه خود را ترسیم کرده‌اند، می‌توانیم از آنها پند گرفته و آینده آموزش عالی را ترسیم کنیم و در جهت رسیدن به آن تلاش کنیم. به طور کلی، براساس توصیه‌های جهانی بعمل آمده در باره آموزش عالی (رجوع کنید به پیوست "ث" کتاب یادشده)، می‌توان گفت که درهای دانشگاهها در نظامهای آموزش عالی دنیادر حال باز شدن به روی همه است. برای مثال، در آمریکا بیش از ۹۰ درصد جمعیت بین ۲۴ تا ۱۸ ساله در سال ۲۰۱۰ میلادی در آموزش عالی ثبت نام کرده بودند. در همان سال در کشورهای اروپائی متوسط نرخ یادشده ۵۸ درصد بوده است. در ایران نیز در حال حاضر (۱۳۹۶ خورشیدی) از ۵۰ درصد عبور کرده و طبق سند نقشه علمی کشور پیش‌بینی شده که در سال ۱۴۰۴ خورشیدی به ۶۰ درصد برسد.

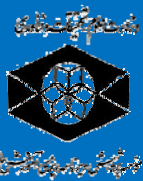
پس در مرحله اول، ما باید به ۶۰ درصد برسیم. در مرحله دوم، باید کاری کنیم که نه تنها ۶۰ درصد جمعیت ۱۸ تا ۲۴ ساله در آموزش عالی با ثبت نام کنند، بلکه پیامدهای یادگیری آنان از کیفیت لازم برخوردار باشد. از جمله ویژگی‌های این کیفیت کارآفرینی است و نه به دنبال "اشتغال مزد و حقوق بگیری". این جنین می‌تواند شعار "آموزش عالی برای همه" (رجوع کنید پیوست "ث" کتاب یادشده) به عمل نزدیک کرد. اما آیا رتبه بندی دانشگاههای کشور یا تشویق همه دانشگاههای کشور به شرکت در مسابقه حضور در رتبه بندی های جهانی ما را در راستای آموزش عالی با کیفیت برای همه قرار می‌دهد؟

در اینجا به بحث کیفیت آموزش عالی می‌رسیم. کیفیت آموزش عالی بحثی است که باید برای تحقق آن به اشاعه فرهنگ کیفیت پرداخت و نیز نسبت به آن ساختار سازی کرد. از این جمله، ایجاد یک نهاد ملی ارزیابی و اعتبارسنجی کیفیت است. در راستای موضوع یادشده، در حال حاضر یک مشکل عمده آموزش عالی کشور ما این است که رسالت و مأموریت زیرنظام های دهگانه آموزش عالی به صراحت آشکار نمی‌باشد. رسالت، مأموریت و هدفهای هر کدام از این ده زیر نظام آموزش عالی باید به روشنی بیان شود. این ده زیرنظام همه مشابه هم می‌خواهند عمل کنند. همه آن‌ها می‌خواهند دوره های کارشناسی، کارشناسی ارشد و حتی دکتری داشته باشند. فلسفه وجودی دانشگاههای علمی-کاربردی، پیام نور و آزاد اسلامی چیست و برای چه به وجود آمده‌اند؟ و الان چه می‌کنند و برون داد آن‌ها چیست؟! با این تعبیر نقش مدیریت آموزش عالی را چه می‌دانیم؟ مدیریت آموزش عالی مثل مدیریت اداره ثبت اسناد و احوال و سازمانهای دولتی نمی‌باشد. در سازمانهای دولتی بخشنامه صادر می‌شود از سطح مدیر عامل تا پایین‌ترین سطح سازمانی همه موظف به اصول رعایت بخشنامه می‌باشند. اما در دانشگاهها عضو هیئت علمی خودش را در سطح رئیس می‌داند و می‌تواند در تصمیم گیری‌ها مشارکت داشته باشد. بدین سیاق، ارتقاء کیفیت در دانشگاههای کشورهای در حال توسعه از طریق گسیل داشتن و تشویق آن‌ها به سوی شرکت در رتبه بندی های منطقه ای و جهانی حاصل نمی‌شود. بلکه امری است که که با مدیریت کیفیت سروکار دارد. لازم به یادآوری است که

چهار کارکرد مدیریت آموزش عالی: ۱. برنامه ریزی ۲. سازماندهی ۳. هدایت و رهبری ۴. نظارت و ارزیابی است. به طوری که نظارت و ارزیابی بر سه کارکرد دیگر مشرف است. به عبارت دیگر، با نظارت و ارزیابی می‌توان مراحل: برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری فرایند ارتقاء کیفیت دانشگاهی را برای تحقق رسالت و هدف های نظام دانشگاهی طی نمود. از این رو، با توجه به اهمیت نظارت و ارزیابی در سطح دانشگاه، باید بر این نکته تاکید نمود که ضرورت دارد مدیران نظارت و ارزیابی دانشگاهها، به اندازه کافی، از تخصص و دانش ارزیابی برخوردار باشند.

آقای دکتر دهقانی درسرخان خود نیز اشاره کردند که رتبه بندی را می‌توان به عنوان یک ابزار تلقی کرد. همان طور که قبلاً یادآوری کردم، این گفته مورد تأیید است. اما، این ابزار ۷ ایراد دارد. این ایرادها را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

۱. الگوی (یا مدل) رتبه‌بندی یک الگوی خطی است که از تعدادی عامل (یا متغیر) تشکیل شده. متغیرهای این الگوی خطی الزاماً با کیفیت دانشگاهی (به عنوان متغیر ملاک) همبستگی کامل و مثبت ندارند،
۲. گزینش این عوامل کاملاً اختیاری است،
۳. وزن این متغیرها در الگو کاملاً اختیاری است،





- ۴. روایی و پایایی داده‌های مورد استفاده برای رتبه‌بندی در الگو مورد تردید است.
- ۵. عوامل مورد توجه در الگو از یک سال به سال بعد تغییر می‌کند.
- ۶. اعتبار آماری الگوی رتبه‌بندی مورد تردید است.
- ۷. برخی از عوامل مورد نظر در الگوی رتبه‌بندی (مانند تعداد برندگان جایزه نوبل) ظاهری فریبنده دارند، اما الزاماً با کیفیت دانشگاهی ارتباط مستقیم ندارند.

با توجه به نکات یادشده باید توجه کرد که هدف از رتبه‌بندی دانشگاه‌ها چیست؟ معمولاً ادعا می‌شود که رتبه‌بندی ۴ هدف را برآورده می‌کند. در اینجا آن‌ها را مورد نظر قرار می‌دهیم:

- ۱. رتبه‌بندی نیاز داوطلبان آموزش عالی برای انتخاب دانشگاه مطلوب آنان را برآورده می‌کند. این هدف در مورد آموزش عالی ایران نمی‌تواند مطرح باشد.
- ۲. رتبه‌بندی دانشگاه‌ها، رقابت‌پذیری بین آن‌ها را تشویق می‌کند. از آنجا که نظام آموزش عالی ایران از ده زیرنظام با رسالت و مأموریت متفاوت تشکیل شده است، رقابت‌پذیری میان آن‌ها معنا ندارد. اما، با توجه به این که اخیراً به سطح بندی دانشگاه‌ها پرداخته شده است، می‌توان رقابت‌پذیری را میان دانشگاه‌های درون هر سطح مورد نظر قرار داد.
- ۳. رتبه‌بندی در تمایز میان دانشگاه‌ها، از نظر کیفیت، مؤثر است. این ادعا در آموزش عالی ایران در صورتی می‌تواند معتبر باشد که رتبه‌بندی میان دانشگاه‌های برتر (سطح اول) انجام پذیرد.
- ۴. رتبه‌بندی‌ها بحث و گفتگو درباره کیفیت را تقویت می‌کند. البته، این نکته ای است که رسانه‌های جمعی بهتر از هر نهاد دیگری می‌توانند از آن به نفع خود بهره‌برداری کنند. اما، این که موجب بهبود کیفیت شود جای تردید دارد.

### نتیجه:

- ۱. اگر در باره ارتقاء کیفیت آموزش عالی بخواهیم به طرف جلو حرکت کنیم، اولین کار مشخص کردن رسالت، مأموریت و هدفهای زیر نظام‌های آموزش عالی می‌باشد. این عمل بطور مشخص سمت و سوی حرکت دانشگاه‌ها را نمایان می‌کند. با مشخص شدن این سمت و سوی، امکان قضاوت کردن در باره حرکت زیر نظامها به سوی کیفیت موزنظر و ارتقاء وضعیت موجود به سوی مطلوب فراهم خواهد شد.
- ۲. مدیریت دانشگاه‌ها را باید به طور جدی به سمت مشارکت دانشگاهیان در بهبود کیفیت، شفافیت و پاسخگویی متحول کرد. این امر احتیاج به این دارد که استقلال دانشگاه را مورد توجه قرار دهیم. به عبارت دیگر، برای این که دانشگاه‌ها بتوانند پاسخگو باشند، باید دانشگاه‌ها از اختیارات لازم برخوردار باشند؛ در غیر اینصورت تلاش برای بهبود کیفیت بی‌فایده خواهد بود.
- ۳. ایجاد نهاد ملی ارزیابی و اعتبارسنجی آموزش عالی امری اجتناب‌ناپذیر است. این نهاد در واقع باید متولی ارزیابی و بهبود کیفیت در آموزش عالی باشد.

### دکتر نسرین نورشاهی:

بنده این را عرض کنم که در یک سال اخیر در مؤسسه یک ساختار جدیدی راه اندازی کرده البته قرار بود که این ساختار همان نهاد IR باشد، اما از آنجایی که در ساختار وزارتخانه تحت عنوان IR یا دانشگاه پژوهی، پیش فرضی نداشته‌اند ما با یک تیر دو نشان زدیم. یعنی الان یک ساختار جدید در مؤسسه ایجاد شده در واقع دفتری است که

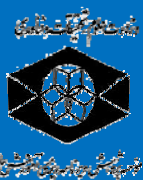
هم مسئولیت ارزیابی و نظارت مؤسسه را به عهده گرفته و هم فعالیتهای دانشگاه پژوهی و مؤسسه پژوهی را انجام می‌دهد. و مسئولیت این کار هم به عهده آقای دکتر مرجانی می‌باشد و تلاش ما هم در این است که ارزیابی را در بدنه مؤسسه جاری کنیم. و بتوانیم الگو برای دانشگاهها و مؤسسات دیگر باشیم.

#### دکتر سید هادی مرجانی: عضو هیات علمی مؤسسه



متشکرم. استفاده کردیم از سخنان شما عزیزان، مباحث بسیار مفید و کاربردی بود. بنده از گزارش آقای دکتر دهقانی و آقای دکتر بازرگان برانگیخته شده و بسیار علاقه مند شدم به مباحث ذکر شده. بنده بحث آقای دکتر بازرگان را که ما با ادبیات آن درگیر هستیم ادامه می‌دهم. ما در بحث ارزیابی عملکرد دانشگاهها و مؤسسات باید گفته شود که ما به اکوسیستم دانشگاه باید توجه کنیم. دانشگاه در یک اکوسیستمی دارای حیات شده و براین مبنا هر نوع ارزیابی و هر نوع نگاه رتبه‌بندی اگر معطوف به اکوسیستم باشد حالت تعمیم‌گرایی به ۲ یا ۳ یا ۵ آیتم پیدا نمیکند. اگر در ارزیابی همه اکوسیستم اعم از مدیریت، کاربران، ارتباط با محیط، منابع، ذی نفع ها و ... دیده شود. برای نوشتن مقاله خود را تغییر نمی‌دهند.

به هر طریقی، بحث اکوسیستم بوده. پژوهش، آموزش اکوسیستم ...، اکوسیستم‌هایی که می‌تواند محاط بر دانشگاهها باشد. اکوسیستم، سیستم ساده‌ای بود و تا حدی می‌توانیم وضعیت دانشگاهها را در این سیستم‌ها ببینیم. خارج سیستم منابعی وجود دارد که دانشگاهها برای بهره‌مندی از این منابع ها که خیلی هم متعدد می‌باشد، اعم از منابع مالی، انسانی و غیره و دانشی که در خارج از سیستم می‌باشد می‌تواند تلاش خود را شروع کند و ارزیابی می‌تواند مورد ملاک قرار گیرد و هرچه را که دانشگاه بتواند وارد سیستم خود کند همان **Inputs** است و این وردی‌های دانشگاه می‌تواند در نظام ارزیابی مورد توجه باشد و فرآیندها چگونه به اهداف و مأموریت‌هایی که دانشگاه برای خودش تعریف کرده برسد و خود این فرایندها را باید ارزیابی کنیم، ما کمتر در نظام های رتبه‌بندی ارزیابی به نظام های فرآیندی توجه می‌کنیم و اما بحث **out puts** بخشی است که ما خیلی پررنگش کردیم که خیلی از بخشهای دانشگاهها نظام عالی آموزش در بخش **out puts** خلاصه می‌شود و این فقط یک بخش از سیستم بوده. در خارج از سیستم کاربران و ذی نفعان، کارفرمایان و کسانی که با این سیستم در تعامل هستند در این سیستم یک محیط **Internal** و یک محیط **External** وجود دارد و در تکامل با این محیط معنی دارد. در واقع اگر بخواهیم این بخش را فارسی کرده باشیم و سیستم را دانشگاهی کرده باشیم در سر تیتیر آن، مأموریت‌های دانشگاه وجود دارد ما اگر به مأموریت‌های دانشگاه در اکوسیستم توجه نکنیم خود آنها را در نتیجه آنالیز قرار ندهیم، اگر بخواهیم با هر مدل سیستم بازی داشته باشیم سیستم بی‌هدف و بی‌جهت بوده و بدون جایگاه است و نمی‌داند که به کدام سمت حرکت می‌کند. این سیستم در واقع مأموریت‌ها را درونی می‌کند که به عملکردهای دانشگاه منجر می‌شود. با یک نگاه سیستمی به عنوان یک سیاه مشق اولیه تلاش کردیم که نگاهی به عملکرد دانشگاهها از لحاظ پژوهشی بیندازیم و به لحاظ نمودار مفهومی دانشجوی یا پژوهشگر در مرکز کار هست، بعد در دانشگاه دانش برآمده، پژوهشگر، سازمان پژوهش، محیط دور و نزدیک این اضلاع به شکل‌های مختلف دیده می‌شود. مثلاً در یک رویکرد اکتشافی در



اکوسیستم پژوهش، پژوهشگر، سازمان پژوهش، دانش پژوهی، محیط، حداقل چهار بعدی هستند که خیلی نقش بالایی را داشته در بحث پژوهشگر مسائل بیشتری با آن در ارتباط می‌شود و فقط تعداد مقاله نوشته شده مد نظر نمی‌باشد. بلکه فرهنگ و اخلاق پژوهش، قوانین و مقررات، فرایندها، مدت زمان، فرصت‌های بهسازی، نوآوری و خلاقیت، مدیریت پژوهش سرمایه فرهنگی اجتماعی، نیازها، امور مالی، نظام انگیزش و علاقه، محصولات، حوزه پژوهش و سهم پژوهش و پژوهش‌ورزی را هم در نظر گرفته شده و کاری است که ما تازه شروع کرده و ادامه دارد و این لیست را می‌توان تکمیل کرد و یا در سازمان حوزه سازمان پژوهش اگر از بالا وارد شویم دانشگاهها، دانشکده‌ها، گروهها، پژوهشکده‌ها، شرکتهای دانش بنیان، مراکز رشد همه در این زمینه درگیر بوده و برای تک تک موارد ذکر شد. آیتم‌هایی مثل:

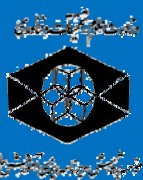
- اهداف، سیاست‌ها و مأموریت‌ها- برنامه ریزی- شرح وظایف- آیین نامه‌ها و فرآیندهای استاندارد شده- نظام پایش، اجرا و ارزیابی - زیرساخت‌های پژوهش- شبکه علمی- تخصص گرایی و شایسته سالاری- سرمایه اجتماعی سازمانی- تحقیقات نهادی و هوش سازمانی، منابع انسانی، اقتصاد پژوهش و... در نظر گرفته شده است
- و در بخش دانش پژوهشی هر آن چیزی که تولید می‌شود به نوع نظام علم و نوع دانشی که تولید می‌شود محصولات و خدمات، ایده و نظریه، نوآوری و تجاری سازی، نظام فنلآوری، نرم افزارها، بازار دانش، سرمایه دانش، انتقال دانش و ...
- در بخش محیط، محیط اقتصاد دانش محور، قوانین و مقررات، نهادهای رسمی و غیر رسمی، نقاط قوت و ضعف رویکردهای سیاسی، جامعه دانش بنیان، فرهنگ کار و پژوهش، مرجعیت علم و ...

اگر ما اکوسیستمی به این نظام ارزیابی بگیریم با خیلی از شاخص‌هایی ما درگیر بوده، بطور کلی نظام پژوهش با آن درگیر بوده در نظام‌های رتبه‌بندی ما مطرح نمی‌شود از همین جا یک سوء تفاهمی بین نظامی رتبه دهنده و نظام مدیریت دانشگاهی و آن کسی که می‌خواهد به عنوان کنشگر اعم از سازمان، پژوهشکده و پژوهشگر عمل کند، ایجاد می‌شود و فکر می‌کند فقط و صرفاً دنبال مقالات پر استناد باشند و ما خودمان گاهی اوقات به دلیل دیده نشدن اکوسیستم جامعیت سیستم‌ها را شاخص‌هایی رتبه‌بندی تقلیل می‌دهیم و در این جلسه که با رهبری آقای دکتر فراستخواه و بزرگواران انجام گرفته می‌تواند یک نقطه عطف باشد و آقای دکتر دهقانی بین شما و مؤسسه ارتباطی ایجاد شود که این نگاه را به طرف اکوسیستمی ببریم و در نظام جریان ارزیابی اگر همه با هم مشارکت داشته باشیم و اکوسیستمی همین برنامه را دنبال کنیم... حرف ما این بوده که نظام‌های رتبه‌بندی ما تقلیدی نباشد و بر اساس حداقل دانشی که داریم جریان آموزش و پژوهش را اکوسیستمی دنبال کنیم و چگونه می‌توانیم اکوسیستم را در ایران فعال کنیم. نظام ارزیابی در متولد شدن اکوسیستم می‌تواند تأثیرگذار باشد.

دکتر حمید جاودانی: عضو هیات علمی موسسه



تشکر می‌کنم از برگزارکنندگان جلسه، با توجه به گفته‌های آقای دکتر دهقانی می‌توان تحلیلی داشت بر پنداشتهایی که بسیاری از دانشگاهیان دارند و بسیاری از دانشگاهها دچار و دستخوش آثار و پیامدهای رویکرد نولیبرال علم سنجی شده-



اند. هر چند که پیش از قبول آن هم هم وضعیت چندان خوبی نداشته. پیش از اینکه بحث را شروع کنم، یادآور می شومرود به چنین مباحثی آن هم در گفتگویی شتابزده، اگر چه می تواند فرصتی برای طرح بحث باشد، اما پرداختن به چنین مسائلی که به نظر می رسد، می تواند، نهاد های آموزش عالی ایران با ناکارکردی یا بدکارکردی روبرو سازد، نیازمند ژرف کاوی نظری و ارزیابی دقیق تر از وضعیت پدید آمده است. برای آغاز گفت وگو، نخست چند پرسش را مطرح می کنم:

۱. رتبه بندی چیست؟ و به چه منظور انجام می شود و چه چیزی را می سنجد؟ منظوم تنها در ایران نیست، حتی سه یا چهار نهادی که معتبر شناخته می شوند، اساسا به دنبال چه چیزی هستند؟ نمی خواهیم، نگاهی بدبینانه، یا حتی نفاذانه به آن ها داشته باشیم، تنها می کوشم، نگاهی واقع بینانه و برای روشن شدن مفاهیم بدان ورود کنم.

۲. رتبه بندی بر پایه چه داده هایی در سطح جهانی انجام می شود؟ در ایران برپایه چه داده هایی و با مشارکت چه کسانی انجام می شود؟

همانطور که آقای دکتر دهقانی فرمودند، رتبه بندی که در ایران انجام می شود نهادها، ذی نفعان و اعضای هیأت علمی و هیچ یک از دیگر نقش آفرینان نقشی در آن ندارند! به سخنی دیگر، بازیگران اصلی، نه نقشی در تعیین معیارهای ارزیابی دارند و نه حتی نقشی در گردآوری داده ها برای ارزیابی عملکرد آن ها! بنابراین چنان چه، این گونه ارزیابی ها و رده بندی ها روا باشد، ان چه در ایران رخ می دهد، هم از دیدگاه نظری و هم از دیدگاه روش شناختی روا به نظر نمی رسد. چرا که، اگر رتبه بندی را نوعی ارزیابی بدانیم، این رتبه بندی نیاز است بر پایه ارزیابی درونی استوار باشد، ارزیابی درونی هم نیاز است بر مبنای پایه اهداف و کارویژه های هر نهاد ها و اعضای آن ها باشد.

به سخنی روشن تر، از دیدگاه شناخت شناسی، نخست نیاز است در قلمرو ملی روشن شود که ما چه چشمداشت هایی از دانشگاه و دیگر نهاد های آموزش عالی و پژوهشی داریم. سپس اهداف و کار ویژه هر نهاد نیز با مشارکت آن ها در ارزیابی ها گنجانده شود.

اگر به قول شما بخواهیم وارد این "بازی" بشویم می خواهیم چه چیزی را بسنجیم؟ آیا وارد این چرخه شدن برای ما سودی دارد یا اینکه برای ما زیان بار است؟

پس از آن، نیازمند بازکاوی بحث از دیدگاه هستار شناختی است، که بیشتر به چگونگی ها می پردازد. به دلیل، کمبود زمان، برای نمونه، به بازکاوی رتبه بندی دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی که انجام شده است، تنها به صورت گذرا می پردازم. برای نمونه، برای ارزیابی و رتبه بندی نهاد های آموزشی و پژوهشی، پنج معیار در نظر گرفته شده است: پژوهش، آموزش، وجه بین المللی، تسهیلات، امکانات و فعالیتهای اجتماعی - اقتصادی.

نخستین پرسش این است که آیا مؤسسات پژوهشی برای آموزش ایجاد شده اند؟ آیا گنجانیدن دوره های رسمی آموزش عالی در این نهاد های پژوهشی به کارویژه های اصلی آن ها آسیب نمی رساند؟ آیا نهاد های پژوهشی از ظرفیت ها و ویژگی های بایسته برای آموزش، به ویژه برای دوره های تحصیلات تکمیلی برخوردارند؟ آیا سیاست های ملی، با گنجانیدن آموزش در کار ویژه های نهاد های پژوهشی همسویی دارند؟

به یاد دارم، در دوره دولت اصلاحات، برپایه مطالعات انجام شده و همچنین بایسته های قانونی، که برای انسجام بخشی نظام آموزش عالی تدوین شده بود، تصمیم بر آن شده بود، که آموزش عالی رسمی تنها به دانشگاه ها و نهاد های آموزش عالی واگذار شود. اما با گنجانیدن، آموزش در شاخص های ارزیابی نهاد های پژوهشی، آیا آن ها به کژراهه کشیده نخواهند شد؟ آیا ریشه بسیاری از آن چه امروزه "دستبرد علم" نامیده می شود، و گریبانگیر جامعه دانشگاهی ما شده است، در این گونه ارزیابی ها نمی توان جست؟ به سخنی دیگر، آیا چنین معیار هایی با اهداف و کار ویژه های نهاد های پژوهشی که در اساسنامه های آن ها گنجانده شده است، همگرایی دارد؟ آیا این روش ارزیابی و رتبه بندی، که بازتاب دهنده "نظام پاداش دهی است و در این نامه هایی مانند آیین نامه ارتقا نیز بازتاب یافته است، افراد را به دستبرد علمی و انمی دارد؟ به گونه ای که بسیاری از نهاد های پژوهشی، که حتی از توان و ظرفیت آموزش برخوردار نبوده اند و نیستند، نکشانده است.



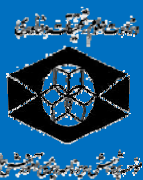
هم اکنون، برخی از نهاد های پژوهشی که شمار اعضای علمی آن ها از شمار انگشتان دست کمترند را پذیرش ده ها و گاه صد ها دانشجو، حتی در دوره های دکترا نکشاده است؟

حال نگاهی گذرا داشته باشیم به به آن چه که " شاخص ها و معیار های رتبه بندی ملی پایگاه استنادی علوم جهان اسلام انگاشته " شده است. هر چند که پرداختن به آن ها نیازمند ژرف کاوی های نظری و زمینه ای بسیار زیادی است. برای نمونه، در بخش معیار های پژوهش، " کیفیت پژوهش بر پایه میزان استناد به مقالات " و " سهم مقالات پر استناد " سنجیده می شود، گذشته از این که ترفند های زیادی برای دستکاری در این معیارها وجود دارد، نیاز است در نظر داشت، هم اکنون، مقالاتی مورد استناد قرار می گیرند که بازار دارند؛ یعنی مد روز می باشند. بنا بر این، شاید اگر کسی به مفاهیم پیچیده، که معمولا بازار پسند نیستند بپردازد، شانس کم تری برای مورد استناد قرار گرفتن خواهد داشت.

شاخص دیگری که در نظر گرفته شده است، " کارایی پژوهش " است. پرسش نخست این است، که از دیدگاه نظری، کارایی به چه مفهومی است؟ و بر چه پایه ای می توان " حجم پژوهش " و " شمار مجلات " (به ویژه که هم اکنون هستند نهاد پژوهشی که به تعداد اعضای علمی رسمی خود نشریه علمی چاپ می کنند)، " شمار کتاب " ( آن هم در روزگاری که می توان هر نوشته ای را با هر کیفیتی با پرداخت پول، حتی در یک نسخه به چاپ رساند) شمار طرح ها و... نشانه کارایی پنداشت؟ آیا چنین رویه هایی را نمی توان یکی از دلیل های فراگیر شده دستبرد به علم در میان دانشگاهیان ایرانی پنداشت؟ گذشته از این ها، شمارگان را چگونه می توان شاخص پنداشت؟ آن هم شاخص کیفی؟ آیا وضعیت نابهنجار کنونی را نمی توان، از جمله، پیامد این گونه از ارزیابی ها پنداشت؟

درباره معیار های بخش آموزش، همان گونه که پیشتر نیز اشاره شد، کار بست آن در نهاد های پژوهشی چندان روا به نظر نمی رسد. به ویژه که این نهاد ها با اهداف ویژه و برای انجام کار ویژه های متفاوت از دانشگاه ایجاد شده اند که نقش و وظایف آن ها در اساسنامه هایشان بازتاب یافته است (البته، چنان چه برای همسویی با وضع موجود تغییراتی در آن ها نداده باشند). جدای از این که، به نظر می رسد، بیشتر آن چه که شاخص ارزیابی وضعیت و کیفیت قرار گرفته اند، مانند " شمار دانشجویان دارای جایزه در المپیاد های بین المللی " شاخص نیستند، نمی توان آن ها را به بسیاری از نهاد های آموزش عالی گسترش داد. چر که اساسا المپیاد ی در برخی رشته های علمی وجود ندارد! وانگهی، معیاری مانند " نسبت دانشجویان تحصیلات تکمیلی به دانشجویان " چگونه می تواند معیاری عمومی برای سنجش وضعیت و کیفیت آموزش به شمار آید. به ویژه که حتی در میان دانشگاه های نام آور جهان، هستند نهاد هایی که دانشجوی تحصیلات تکمیلی اندکی دارند یا حتی ندارند! به ویژه با در نظر گرفتن بیانیه های ماموریت هر نهاد آموزش عالی؟ آیا چنین رویکرد ها و معیار های ناروایی سبب نشده است، که برخی از نهاد های آموزش عالی، مانند دانشگاه علمی کاربردی، که نهادی مهارت آموز و بیشتر برای دوره های کاردانی و پرورش نیروی انسانی ماهر راه اندازی است، فلسفه وجودی خود را نادیده بیانگرند، و به پذیرش دانشجوی کارشناسی ارشد و دکترا بدون حساب و کتاب بپردازند؟

نیاز است این نکته نیز یادآوری شود، که در بیشتر نظام های پیشرفته آموزش عالی جهان، نهاد های پژوهشی در دل دانشگاه ها شکل گرفته اند. کشور های اندکی مانند فرانسه، جدای از پژوهشکده هایی که در دانشگاه دارد، مرکزی ملی برای پژوهش های علمی دارند که در فرانسه، " مرکز ملی پژوهش های علمی " نام دارد. اما نکته در خور درنگ در این مرکز علمی که کارکنان آن نزدیک به ۲۵۰۰۰ نفر است، کسانی که کار علمی در این مرکز می کنند، " پژوهشگر " نامیده می شوند و نه عضو هیات علمی! بنابراین، کار راه آن ها، متفاوت از اعضای علمی است. بنابراین، ارزیابی آن ها و نهادی که در آن کار می کنند، بر پایه معیار های ارزیابی دانشگاه ها انجام نمی شود. از این رو به نظر می رسد، فراگیر ساختن معیار های ارزیابی نهاد های دانشگاهی، برای رده بندی موسسه های پژوهشی روا نباشد. هر چند، به دلیل درک نادرست از مفهوم عضو هیات علمی در ایران، از یک سو، و شاید، برخی امتیاز هایی که برای آن ها در نظر گرفته شده، اعضای هیات علمی نه تنها در نهاد های پژوهشی، مانند این موسسه، که حتی در بیشتر نهاد های اجرایی، مانند وزارت علوم، کشاورزی و... نیز دیده می شوند. که نیازمند بازنگری مفهومی و عملی در این زمینه است.





به هر حال، این گونه نشست ها ، نه برای تصمیم گیری درباره چگونگی ارزیابی در نظام علمی کشور، بلکه، بسان آغازی برای وارد شدن به موضوعاتی مانند "رتبه بندی" ، که چیستایی و چرایی آن با پرسش های جدی از سوی دانشگاهیان روبرو بوده است می تواند کارگشا باشد. برای نمونه، آقای دکتر بازرگان، که از اعضای پردیرینه این موسسه نیز به شمار می آید و در این نشست نیز حاضرند، مقاله نویی را که در ژانویه سال ۲۰۱۷ به قلم فیلیپ آلتباخ( که یکی از نظریه پردازان شناخته شده و پرآوازه در قلمرو آموزش عالی به شمار می رود) و همکارش در اختیار همکاران قرار داده اند که حتی نام این مقاله نیز بسیار گویاست. نام این مقاله کوتاه، "چرا باید دانشگاه ها با بازی رتبه بندی را وانهند" است. که پیشنهاد می کنم، دوستانی که در این زمینه کار علمی یا اجرایی دارند، بخوانند. همچنین، حضور آقای دکتر دهقانی، که ریاست پایگاه استنادی علوم جهان اسلام را هم اکنون بردوش دارند، و خودشان نیز نقدهایی جدی بدان داشتند، را نیز گرامی و مغتنم می شماریم و امیدواریم، که نقد های امروز بتواند به پیشبرد و انجام تغییرات اساسی در این رویه های غیر علمی بیانجامد. به ویژه این که در نظر داشته باشید، برخی از کسانی که بحث "علم سنجی" را در کشور رواج دادند، همانکون نگاهی دیگر بدان دارند. از جمله می توان به آقای رضا منصوری اشاره کرد که به هنگامی که معاونت پژوهشی وزارت علوم را بردوش داشتند و به رغم برخی هشدارها، بر اجرای آن پافشاری داشتند، امروز دریافته اند که این رویکرد های کمی گرایانه نامفهوم چه آسیب های جدی به کشور وارد ساخته است. ایشان در نگاشته کوتاهی با نام "علم در دوران پسا توافق" که در روزنامه شرق به چاپ رسیده است با لحن گزنده ای یادآور شده اند:

"من که خود بانی سیاست تشویق مقاله نویسی بین المللی بودم و بیش از ۳۰ سال است که آن را پیش می کنم، با کمال اطمینان می گویم موضوع رشد کمی علم باعث شده است از حرکت علمی جدی بازمانیم"

یا در جای دیگری در همین مقاله یادآور می شوند:

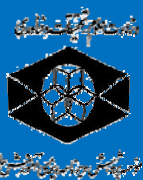
"ما علم را به دست وزارت علوم و با نام رشد علمی، اما مبتنی بر آمار نادرست، به سقوط کشاندیم ... در مقابل درالعلم را به نوان خانه ای تبدیل کرده ایم برای برخی میان مایگانی که حاضرند به هر آیین نامهای تمسک جویند تا جای پای خود را محکم کنند و لقب استاد بگیرند. در این میان، کسی خریدار خلاقیت و جدیت و اخلاق نیست. ما دانشگاه ها را به نوانخانه هایی آموزشی برای گروهی خاص تبدیل کرده ایم."

امید است که دست کم، این زیست آزموده نیز بتواند، تا دیر نشده است، ما را به بازاندیشی وضع موجود، از جمله در زمینه ارزیابی و رتبه بندی دانشگاه ها و نظام پاداش دهی در نظام علمی کشور برانگیزاند.

### دکتر مهنوش بازارگادی: عضو هیات علمی



به نام خدا هر آن چیزی که بنده قرار است بیان کنم، جناب آقای دکتر بازرگان بطور جامع بیان کردند فقط یک قسمت را که کمتر به آن توجه شد در چند جمله به آن می پردازم. وقتی بحث آیندهی دانشگاهها مطرح می شود، دو حالت یا



سناریوی عمده را باید در کشورمان در نظر بگیریم: یکی اینکه دانشگاه‌های آینده کشور ما باید چگونه باشند و دیگری اینکه دانشگاه‌های ما در آینده چگونه خواهند بود. مواردی که جناب آقای دکتر بازرگان و استاتید عزیز مطرح کرده در واقع نقد بود، باید چگونه باشیم اما بنده می‌خواهم از زاویه دیگر و اینکه دانشگاهها در آینده چگونه خواهد بود و این مسیری را که در آن هستیم و پیش می‌رویم را نقد می‌کنم. آینده طبعاً با توجه به وضع موجود باید طراحی شود. با توجه به چهار سناریوی که آقای دکتر فراستخواه بیان کردند، باید بدانیم در چندمین قرار می‌گیریم. به نظر من داریم آن قسمت که خودمان را به جلو حرکت می‌دهیم اما نه تنها جلو نرفته، بلکه حالت سکون داشته و در واقع خودمان را سرگرم کمیت‌ها کرده و این کمیتها به تنهای از جهاتی کمک نمی‌کند، بلکه برتر هم می‌شود و این توهم در افراد بوجود می‌آید، که فقط باید مقاله ارائه دهند و اینگونه افراد از یکدیگر سبقت گرفته و حتی تعدادی که مقالات آنها زیاد بوده و در مورد مقالات کیفی اظهارنظر کرده و داور می‌شوند.

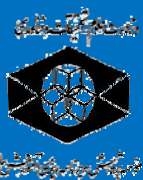
آقای دکتر دهقانی، متأسفانه امروزه رتبه بندی تیشه به ریشه علم می‌زند، چرا که اکثریت به دنبال این هستند. جلوی دانشگاه با سیصد تومن مقاله ISI می‌نویسند. پس ما اگر امروز به فکر مأموریت دانشگاه نباشیم

قبل از مأموریت دانشگاه از نگاه فلسفی می‌خواهم این مطلب را عرض کنم که نقش دانشگاه از نظر فلسفی چیست؟ آیا دانشجو می‌گیریم که اسباب‌های اجتماعی را کمتر کنیم یا دانشجو می‌گیریم که چرخ علم را در این کشور بگردانیم، تولید علم و فناوری و علم داشته باشیم؟ اما فلسفه دانشگاه‌های ما هنوز به لحاظ فلسفی مشخص نیست. دانشگاهی که ساختاری ندارد، و مدیریت، مدیریت عامرانه خواهد بود، اگر دانشگاه‌های ما مستقل نباشند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ ما دانشگاهی می‌خواهیم که پاسخگو باشد، نه اینکه به بالادستی پاسخگو باشد، گزارش‌دهی‌های ما چاپلوسی و تملق‌گویی هست، چرا آن کسی که این را می‌شنود دانش لازم را ندارد، و چون این مسیر را به صورت مرتب و پله‌کانی بالا نرفته، پس دانش لازم را ندارد. در واقع نسبت به آن گزارش نویسی اطلاعات کافی ندارد. ما اگر دانشگاهها مستقل نباشند، ساختار از بالا به پایین را اصلاح نکنیم، دانشگاه شریک مساعی و محتوا نداشته باشند، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ آیا رتبه‌بندی می‌تواند مأموریتها را شفاف‌تر و بهتر کند؟ این تعداد مقالاتی که کپی و پیست هست چقدر به درد جامعه ما خورده، چقدر آن را تبدیل به فناوری کرده ایم؟

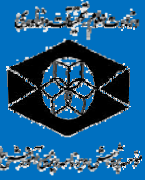
#### دکتر مقصود فراستخواه:

حداقل رتبه‌بندی را براساس گروه‌های همگن انجام دهیم یا انواع دانشگاه‌های علمی کاربردی با هم و بر مبنای اهداف و مأموریت خاص آنها رتبه بندی شوند، همینطور غیر حضوری‌ها بر مبنای مأموریت و اهداف متفاوت خود رتبه بندی شوند و هدف ارتقا دادن مأموریت‌گرایی آنها باشد.

نکته بسیار مهم این است که رتبه بندی باید بر مبنای ارزیابی درونی و بیرونی و اسناد آن انجام بگیرد نه خوداظهاری دانشگاه‌ها. یعنی اول چنانچه استاد عزیز جناب دکتر بازرگان هم اشاره کردند نظام اعتبارسنجی را مستقر کنیم سپس بر مبنای خروجی آن کار رتبه بندی البته نه به دست دولت بلکه توسط نهادهای حرفه‌ای و خصوصی مستقل انجام بگیرد. اعتبارسنجی مؤسسات پژوهشی نیز باهم متفاوت اند. مثلاً برخی مراکز پژوهشی فقط تولید دانش می‌کنند اما مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی برای تولید تفکر انتقادی و تحلیلی در سیاستگذاری آموزش عالی و برای سیاست پژوهی و پیشنهاد سیاست و تصمیم‌سازی به وجود آمده است و نمی‌توان آن را با مؤسسات علمی محض یکجا رتبه بندی کرد. پیشنهاد می‌کنم مؤسسه با مرکز استنادی یک کارگروه برای این منظور تشکیل بدهند.







### دکتر عباس بازرگان:

آقای دکتر دهقانی در حقیقت وارث وضعیتی هستند که خودشان هم دخالت مستقیمی از نظر گزینش روند کار نداشته‌اند، بنابراین اگر این را بپذیریم، سوال همین است که چگونه نهادهای موجود می‌توانند باهم-افزایی کاری انجام دهند که کیفیت آموزش عالی بهبود پیدا کند. در این راستا تصور بنده این است که نکات اصلی که روی آن توافق حاصل است در نظر گرفته شود و سپس گام های بعدی بر اساس آنها برداشته شود. یکی از آنها این است که، مثلاً، می‌خواهیم دانشگاه‌های برتر کشورمان وارد نظام رتبه‌بندی جهانی شوند؛ نه اینکه تمام دانشگاه‌های کشور وارد این رتبه-بندی شوند. در اینصورت به نظر بنده نقش مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری و پایگاه استنادی می‌تواند همین باشد که به این دسته از دانشگاه ها کمک کند که چگونه وضعیتشان به طرف مورد نظر هدایت کنند. این امر با توجه به بهبود وضعیت موجود ملاکها و نشانگرها، که در رتبه‌بندی مورد توجه است، از موجود به طرف مطلوب امکان پذیر می باشد. البته، نه با "دوپینگ". اما، برای این منظور باید ارزیابی درونی انجام شود و برای ارزیابی بیرونی داورانی از دانشگاه های بین المللی مشارکت نمایند...

### دکتر مقصود فراستخواه

اگر آقای دکتر دهقانی به همین نتیجه برسد که براساس گزارش ارزیابی بیرونی مؤسسات را رتبه‌بندی کنند، یعنی اول ارزیابی درونی و بیرونی و اعتبار سنجی انجام بگیرد و ..

### دکتر عباس بازرگان

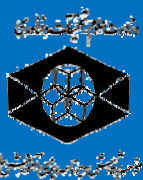
اگر مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری و پایگاه استنادی این کار را در باره یک یا چند رشته پیشه کند، مثلاً براساس نتایج ارزیابی درونی و برونی یک رشته در دانشگاه های برتر کشور به رتبه بندی بپردازد (ارزیابی در کل نظام آموزش عالی کشور می تواند رونق پیدا کند (مشابه اینکار در چند دهه گذشته در کشور کره جنوبی انجام گرفت). چنانچه این اتفاق رخ دهد، گروههای آموزشی خودشان داوطلب می شوند که به ارزیابی و بهبود کیفیت خود بپردازند. بدین ترتیب فرهنگ کیفیت نیز اشاعه پیدا می کند. اکنون که شورای نظارت و ارزیابی و تضمین کیفیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تشکیل شده است باید نهاد هائی که بالقوه می توانند در ارزیابی کیفیت نقش مؤثری داشته باشند را مشخص کرد و سهم هر کدام از آنها را معین نمود. مثلاً سازمان سنجش آموزش ، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی و سایر نهادها، از جمله پایگاه استنادی ، هر کدام می توانند بخشی از وظایف ارزیابی و بهبود کیفیت را برعهده گیرند. برای مثال، ارزیابی فعالیت های پژوهشی امری جدا از ارزیابی کیفیت آموزش عالی است (رجوع کنید به فصل دهم کتاب نظارت و ارزشیابی در آموزش عالی). از این رو، باید به طور مشخص یکی از این نهاد ها وظایف مربوط به ارزیابی پژوهش در کشور را در چارچوب نظام جامع نظارت و ارزیابی عهده دار شود. باید تقسیم کار صورت گیرد و دقیقاً مشخص شود که هر نهاد می‌خواهد در رابطه با ارزیابی کیفیت چه وظایفی را به انجام رساند. بطور کلی عرض بنده این است که، مثلاً، کار ارزیابی پژوهشی وظیفه ای است که در کشورهای پیشرفته جهان به طور کلی از ارزیابی آموزش عالی جدا بوده است.



به نام خدا و عرض خیر مقدم خدمت جناب آقای دکتر دهقانی و تشکر از دکتر بازرگان و دکتر بازارگادی و... پیشینه این جلسه به این برمیگردد که بحث بین دوستان پیش اومد که برای رتبه بندی در شیراز آیا مدارک تحویل بدهیم یا خیر؟ و قرار شد یک نمونه معرفی از افرادی که در مورد رتبه بندی نظرات موافق و مخالف دارند دعوت شوند و به یک جمع بندی برسیم. اینکه ایا موسسه دیده بشود یا خیر؟ بنده نظراتم را در مورد رتبه بندی حدود ده سال پیش، مفصل انتقاداتی که نسبت به کاری که در شیراز انجام می شود، مطرح کردم و در آن زمان فقط بر مبنای یک پارامتر انجام می شود و آن هم مقاله بود در حالی که هم اکنون در مرکز علوم و فناوری شیراز یک شاخص تبدیل شد به ۵ گروه شاخص. و توسعه پیدا کرده، بنابراین الان نباید با شیراز طبق ده سال پیش برخورد کنیم. به عنوان یک همکار برای تکمیل و توسعه حرکتی که در شیراز شده باید پیشنهاد دهیم. وزارت علوم در سال ۸ میلیارد به موسسه می دهد که یک برنامه ای، یک سیاستی، یک خروجی مشخصی از موسسه داشته باشد برای افرادی که در ستاد هستند، کمکی کرده باشد. رتبه بندی که در شیراز صورت می گیرد هدفش برندسازی نیست مانند آن چیزی که در دانشگاه های امریکایی انجام می شود، مثلا در فضای تجاری سازی شهرت دانشگاه را نشان دهند. این مدل به نوعی ایرانی است. البته در هر کاری تقلیل گرایی هست. اینکه می گویم دانشگاه هدف ندارد همون موقع که می خواهیم هدفهایشان را بنویسیم دچار تقدیر گرایی می شویم. بنابراین نمیشود شیراز را تخطئه کرد و بگوییم که شیراز به بیراهه می رود. دوستانی که نقد می کنند قطعاً نظرشون این نیست که مقاله خوب نداریم، مشارکت بین المللی خوب نداریم، امکانات خوب نداریم و... جلسه ای چند روز پیش داشتم که یکی از دانشگاهها می گفت چرا وزارت علوم من را سطح سه حساب کرده است من چهل هکتار مزرعه زیتون دارم، و این باید به عنوان شاخص در نظر گرفته شود. من یک زنبوداری دارم و آن را به عنوان شاخص در نظر گرفته شود و... برای تکان دادن بی تحرکی دانشگاهها، همین کاری که شیراز انجام می دهد خوب و فانکشنال است. اگر ایراداتی دارد آن را باید صمیمانه گفت، از تقلیل گرایی هم گریزی نیست و به مرور باید از بین برود. یا در بحث فرایندی، خود اسکولارشیپ یک شاخص است. همانطور که یک زمانی در تحقیقات پوزیتویستی تحقیقات کمی بود، الان به سمت آمیخته پیش می رویم. بنابراین پیشنهاد بنده این است که همانطور که شیراز بر فکت های عینی کار می کند و همین می تواند توسعه پیدا کند، شاخصهایی اضافه شود، بر مبنای ده زیرنظام تفکیک شود، و در حال حاضر سه زیر نظام تفکیک شده، یعنی دانشگاه جامع از دانشگاه صنعتی جدا شده، بنابراین تکاملی است که باید دوستان آن را ببینید و پیشنهادم این است که اگر کمک شخصی مؤسسه می تواند در خصوص شیراز انجام دهد، بیان کنید که چه کمکی می توان انجام داد، اگر کمکی هم صورت نمی گیرد، اجازه دهند شیراز کارش را انجام دهد و اگر بعدها راه حلی پیدا شد که کمکی صورت گیرد، این فرصت داده شود.

#### دکتر محمد جواد دهقانی

بیشتر به این فکر می کنم که در مجموعه کشور ما، یک مشکل اساسی وجود دارد، ارزیابی در رتبه بندی دیده نمی شود. در نتیجه در تصمیماتی که گرفته شد از سال ۸۹ بوده و در رتبه بندی مشکلاتی دارد، بعد در شورای معاون پژوهشی مطرح کردم، در حقیقت در مملکت ما بیش از اینکه ما بخواهیم سلبی برخورد کنیم بصورت اصلاحی برخورد کنیم خیلی بهتر



بوده و این شاخصها را در گروهها... و یعنی کارهایی که می‌توان انجام داد و هدف بهبود... و افرادی در دولت قبل به این نتیجه رسیده‌اند که روش اصلاح کردن روند دانشگاه همین می‌باشد و قطعاً اشتباهی داشته و باید آن را به جای پاک کردن صورت مسأله باید آن را اصلاح کرد و دلیل پیشرفت نکردن همین افراط و تفریطها بوده، در نتیجه هر پیشنهادهایی که در زمینه ارتقا آموزش عالی مطرح می‌شود آن را با کمک نخبه‌گان آن را پیگیری می‌کنیم.

### دکتر عباس بازرگان

آقای دکتر ذاکر صالحی بیان کردند " ۲۹۵۰ دانشگاه داریم". باید بدانیم در آموزش عالی ایران چه تعریفی از دانشگاه داریم که به این تعداد اشاره می‌کنیم. تعریف مرکز یا واحد آموزش عالی، که وابسته به زیر نظام ها (دانشگاه پیام نور و یادانگاه علمی-کاربردی) هستند با تعریف یک دانشگاه تفاوت می‌کند. چگونه بدون توجه به این تفاوت ها و الزامات مربوط به هر کدام می‌توان صحبت از رتبه‌بندی دانشگاه را به میان آورد. لازم است ابتداء یک درک مشترک نسبت به مفاهیم اولیه داشته باشیم و سپس با تقسیم کار شبکه کیفیت زیر نظام های علوم و تحقیقات و فناوری را به تدریج مستقر کنیم.

### دکتر غلامرضا ذاکر صالحی :

در حال حاضر دانشگاههای غیرمتمرکز از دانشگاههای متمرکز جدا شده

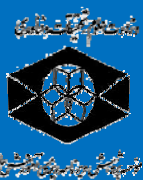
### دکتر عباس بازرگان

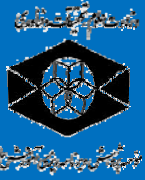
ما باید هدف رتبه بندی را مشخص کنیم، آیا چون در دنیای رتبه‌بندی صورت می‌گیرد ما هم باید این کار را انجام بدهیم؟ همان طور که در بیان قبلی اشاره کردم، در کتاب نظارت و ارزشیابی در آموزش عالی، مولفان (دکتر بازرگان و دکتر فراستخواه) بیان کرده‌اند که در ایران بجای رتبه‌بندی باید دانشگاهها را طبقه بندی (دسته بندی) کنیم: دانشگاههای تراز یکم، دانشگاههای پژوهشی بین‌المللی؛ دانشگاههای تراز دوم دانشگاههای به اصطلاح ملی؛ و دانشگاه های تراز سوم دانشگاههای منطقه‌ای در سطح یک منطقه یا استان. رسالت و مأموریت هر یک از دانشگاه های این سه دسته باید به طور کاملآ آشکار بیان شود و برای هر یک از آن ها برنامه راهبردی و عملیاتی تدوین شود تا ارزیابی و بهبود کیفیت برای این اساس انجام پذیرد. البته، بعد "در هر یک از این سه دسته ها می‌توان دانشگاهها را رتبه-بندی کنیم. البته، یادآوری این نکته ضرورت دارد که پیشینه و متون پژوهشی ارزیابی بیان می‌کند که اگر در جهان سوم اعضای هیأت علمی در فرایند ارزیابی کیفیت مشارکت نکنند، هر کاری که صورت گیرد "حاکم فرموده" است و نباید انتظار داشت که بهبود کیفیت رخ دهد. حتی در دانشگاههای تراز یکم هم اگر مشارکت نباشد، همین اتفاق رخ خواهد داد.

رتبه بندی مراکز پژوهشی در ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. هر چند ممکن است چنین رتبه بندی هائی انجام گرفته باشد، اما هدف چنین کاری چیست؟ برای مثال بجای این که موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی در فرایند رتبه بندی مراکز پژوهشی وارد شود، می‌تواند با توجه به رسالت و هدف هایش به خود ارزیابی (بر اساس فصل دهم همان کتاب ذکر شده) بپردازد و درباره کیفیت فعالیت هایش قضاوت کند. سپس درخواست کند که ارزیابی برونی، با مشارکت داوران بیرونی، انجام شود. بدین سان، به عنوان الگو و نمونه بهبود کیفیت پژوهشی، بقیه مؤسسه ها می‌توانند از آن یاد بگیرند.

### دکتر مقصود فراستخواه

گروههایی که ارزیابی درونی و بیرونی شده‌اند، اینها را رتبه‌بندی کنیم. بیاییم کمک کنیم یک لیگ درست بشود یک مسابقه ملی راه بیندازیم و بازی را ارتقا دهیم و بگوییم که تمام گروه هایی که ارزیابی درونی و بیرونی خود را انجام داده اند عضو این شبکه می‌شوند و رتبه بندی می‌شوند. یعنی گروههایی که ارزیابی درونی بصورت داوطلبانه شده‌اند و اگر خودشان را در معرض ارزیابی بیرونی قرار گرفتند، نتایج این ارزیابی در سیستمهای رتبه‌بندی، مبنای عمل قرار بگیرد.





### دکتر غلامرضا ذاکر صالحی

بنده یک پیشنهاد دارم اگر قرار است ارزیابی بیرونی و حتی درونی صورت گیرد پایگاه داده لازم است و بخشی از پایگاه داده در شیراز فراهم است. یعنی شیراز می‌تواند پروفایل یک دانشگاه را بطور مجزا در اختیارش قرار دهد، مثلاً دانشگاه الزهرا بیان کند که پروفایل کلان بود و به تکفیک دانشکده بوده و همینطور به تفکیک دپارتمان می‌باشد تمامی را به روزرسانی کنید، البته با مستندات به ما برگردانید و بعد در اختیار گروه ارزیابی بیرونی به عنوان یک پایگاه داده موثق قرار دهد. بنابراین منطقه ای شیراز به بیراهه نرفته برای ما و یک ثروت ملی است می‌تواند در خدمت ارزیابی بیرونی و درونی قرار بگیرد، اگر هم مؤسسه طرح نابی دارد در اختیار ما قرار دهد.

### دکتر محمد جواد دهقانی

ما خیلی از گروهها را ارزیابی کردیم، مثلاً گروه عمران دانشگاه شریف چه وضعیت در کشور دارد.

### دکتر عباس بازرگان

همان طور که اشاره کردم، بحث ارزیابی پژوهش علمی سوای ارزیابی آموزش عالی است، ما باید به تجربه های جهانی در این باره توجه کنیم. البته، با صحبتهایی که در این جلسه در این باره شنیدم، نسبت به ابهام مبحث نزد برخی از همکاران پی بردم ....

کار ارزیابی پژوهش بطور کلی از هر نظر با ارزیابی کارکرد آموزشی در آموزش عالی متفاوت است. بنده از سال ۱۳۵۱ طلبه ارزیابی بوده ام و کماکان این طلبگی ادامه دارد. از این رو، در چهار دهه گذشته سعی برآن داشته ام که به تحولات مربوط در این حوزه پی برم. از این جمله می توان به تحول در ارزیابی پژوهش اشاره کرد. برای مثال، در سال های اخیر در انگلستان چارچوب ارزیابی کیفیت مراکز پژوهشی متحول شده است. این چارچوب با چارچوب ارزیابی آموزش عالی ( که توسط نهاد تضمین کیفیت Q.A.A. انجام می شود) تفاوت دارد. برای آشنائی بیشتر در این باره می توان به سایت مربوط (Research Excellence Framework) مراجعه کرد.

### دکتر نسرین نورشاهی

بنده از آقای دکتر دهقانی دفاع می‌کنم آقای دکتر بسیار شنوا بوده، بحث ما بحث Extrime هاست و بنده به آقای دکتر عرض کردم که ممکن است در جلسه بیان کنند که رتبه‌بندی صفر می‌باشد و آقای دکتر هم فرمودند که بنده در این جلسه حضور پیدا می‌کنم تمامی حرفهای دوستان را بشنوم و قرار است انجام دهیم، چگونه انجام دهیم که بهتر باشد.

### دکتر عباس بازرگان

همان طور که در بیان قبلی اشاره کردم، شورای نظارت و ارزشیابی تشکیل شده، اگر قرار باشد عمل رتبه بندی ادامه- داشته باشد، باید این عمل در چارچوب فعالیت های شورای یادشده و نهاد های ذی ربط جا داده شود. این عمل نمی‌تواند جدا از کل فرایند نظارت و ارزشیابی باشد.

### دکتر غلامرضا ذاکر صالحی

حداقل دانشگاه شیراز عضو شورا شود.

### دکتر فراستخواه

نتایج این پنل به شورا انتقال داده می شود



بنده بصورت خلاصه عرض می‌کنم که موضوع را از یک دید دیگر بیان می‌کنم، هدف این فعالیتها این است که ما در دانشگاه بر کیفیت برسیم و بیان کنیم کدام دانشگاه کیفیت بیشتری دارد، اگر ما نتوانیم از این رتبه‌بندیها درست استفاده بکنیم در واقع ما منحرف شده‌ایم و بحث همه‌دوستان این است که آموزش عالی نباید هدف آموزش عالی را تغییر دهد، چون فضای مناسبی برای فعالیتهای دانشگاهی وجود ندارد که این رتبه‌بندیها نهایتاً هدف دانشگاهها را فقط رتبه‌بندی کند و فعالیتها به سمتی رود که در این حالت فساد و انحرافات مختلفی ایجاد می‌شود که هر آن چیزی که دانشگاه برایش ساخته و باید به آن برسد از بین می‌رود و اگر رتبه‌بندی باعث ایجاد فضای رقابتی برای دانشگاهها شود، فضای رقابتی فقط با همین شاخص نمی‌باشد و ما نیازمند تحولات ساختاری هستیم. اگر رتبه‌بندی نهایتاً مدیران را به این نتیجه برساند که ما در حوزه دانشگاهها نیازمند یک تحولات ساختاری هستیم، یعنی قبل از اینکه رتبه‌بندی صورت گیرد آیا تحولات ساختاری اتفاق افتاده؟ اگر اتفاقی رخ ندهد در واقع دانشگاهها و دانشجویان و اعضای هیأت علمی را منحرف کرده. اگر تحولات دانشگاه را بررسی کنیم، از تحولات اقتصادی کشورها ناشی شده است. ابتدا آموزشی بعد پژوهشی و در آخر هم کارآفرینانه شده، اگر کارآفرینی شده به این دلیل بوده که در اقتصاد چنین نیازی وجود داشته و دانشگاهها در پاسخ آنها خود را متحول کرده‌اند و دانشگاهها در ساختاری بوده‌اند که توانسته خود را تغییر دهند، بنابراین ما در مسیر رتبه‌بندی منحرف نشویم.

#### دکتر نسرين نورشاهی

آقای دکتر دهقانی در ابتدای بحث خود بیان کردند که رتبه‌بندی نباید هدف دانشگاهها باشد و هدف راهبردی دانشگاهها نباید رتبه‌بندی باشد فقط یک ابزار و تکنیک می‌باشد.

#### دکتر عباس بازرگان

سوال بنده از آقای دکتر دهقانی این بوده که دانشگاه پیام نور روز اول یک رسالتی داشته، دانشگاه علمی - کاربردی و دانشگاه آزاد اسلامی نیز یک رسالت ویژه داشته است، چگونه می‌شود که این دانشگاهها را با یک دید دریکالگوی واحد قرار دادو رتبه بندی کرد؟ آیا توجیه پذیر است؟

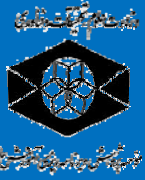
#### دکتر مقصود فراستخواه

جناب آقای دکتر دهقانی کمک کنند تا نتایج ارزیابی بیرونی و درونی در سیستم رتبه‌بندی مبنا قرار گیرد و ارزیابی درونی و بیرونی هم به سیستم رتبه‌بندی و out put اطلاعات را بدهد، اطلاعات وقتی از یک فیلتر ارزیابی بیرونی و درونی گذشته باشد معتبر تر است. به نظر بنده بعد از این پنل یک گروه کاری حرفه‌ای تشکیل شود.

#### دکتر عباس بازرگان

تمجدداً تأکید می‌کنم دو فرایند متفاوت برای ارزیابی آموزش و پژوهش در آموزش عالی وجود دارد: یک رویکرد برای آموزش دانشگاهی و مؤسسه‌های آموزش عالی و رویکرد دیگر برای ارزیابی فعالیت های پژوهشی است و نباید این دو فرایند را با هم درآمیخت.





## چکیده نتیجه گیری و دو سناریو

### آینده رتبه بندی دانشگاه ها و مؤسسات پژوهشی در ایران:

- ✓ **سناریوی اول:** ادامه وضع موجود که نتایج و پیامدهای نامطلوب آن در مباحث فوق شرح داده شده است
- ✓ **سناریوی دوم:** عمق بخشیدن به فهم خود از موضوع و هدف مند کردن کار بر مبنای ملاک های معتبر مشروح در مباحث صورت گرفته در این پنل با تأکید بر رفع ایرادهای زیر:
  - ۱. تفاوت نظام های مختلف آموزش عالی ایران و فلسفه وجودی و مأموریت خاص هر کدام منظور نمی شود
  - ۲. فقط گروه های همگن قابل رتبه بندی هستند و این موضوع در حال حاضر رعایت نمی شود. طبقه بندی برای این منظور مورد توجه قرار گرفته است
  - ۳. مؤسسات آموزش عالی با مؤسسات پژوهشی تفکیک داده نمی شوند ارزش یابی هر کدام مراحل متفاوتی دارد
  - ۴. رتبه بندی براساس خروجی ارزیابی درونی و بیرونی انجام نمی شود و روی پایه اصلی نظام اعتبار سنجی مستقر نیست
  - ۵. در دنیا رتبه بندی توسط سازمان های حرفه ای مستقل و غیر دولتی و بر مبنای استقلال دانشگاه ها صورت می گیرد
- ❖ برای پیگیری سناریوی دوم و عملیاتی کردن آن توافق شد برای پیگیری سناریوی دوم و عملیاتی کردن آن، کارگروه مشترک مرکز استنادی و مؤسسه با مدیریت جناب آقای دکتر دهقانی تشکیل بشود.